

مطالعات حقوق بشر

- راهبردهای عملیاتی جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به نقض گسترده حقوق بشر توسط اسرائیل
- نگاهی به واکنش‌های بین‌المللی در خصوص تجاوز رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی ایران
- بررسی حقوقی حکم دادگاه منطقه‌ای اورگن آمریکا پیرامون اثرات منفی تحریم بر بیماران ایرانی
- جایگاه تحریم‌های حقوق بشری در سیاست خارجی اتحادیه اروپا: مطالعه موردی تحریم‌های اعمالی علیه ج.ا.ایران
- اخراج اتباع غیرمجاز افغانستانی از ایران پیامدها، تجربه‌های جهانی و راهبردهای مدیریت هوشمند
- مروری بر مأموریت گزارشگر ویژه تحریم سازمان ملل
- آپارتاید جنسیتی؛ مفهومی نوین در حقوق بین‌الملل کیفری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کاہنامہ

مطالعہ حقوق بشر

شماره ۱
پائیز ۱۴۰۴

کابنہ مطالعاتی حقوق بشر

مدیرمسئول: مهدی محبی راد

سردبیر: محمودرضا گلشن پڑوه

نویسندگان: کارشناسان سازمان دفاع از قربانیان خشونت

شماره: ۱ پائیز ۱۴۰۴

طراحی و صفحه‌آرایی: آتلیه هنر تیزبین

نشانی: تهران - میدان ولی عصر، بلوار کشاورز، فلسطین

شمالی، کوچه میرسرابی پلاک ۱

تلفن: ۸۸۹۶۴۹۴۳ (۰۲۱)

نمابر: ۸۸۹۵۴۹۲۸ (۰۲۱)

رایانامه: info@odvv.ngo

فهرست

- مقدمه ۷
- راهبردهای عملیاتی جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به نقض گسترده حقوق بشر توسط رژیم اسرائیل ۱۱
- نگاهی به واکنش‌های بین‌المللی در خصوص تجاوز رژیم اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران ۱۹
- بررسی حقوقی حکم دادگاه منطقه‌ای اورگن آمریکا پیرامون اثرات منفی تحریم بر بیماران ایرانی ۲۵
- جایگاه تحریم‌های حقوق بشری در سیاست خارجی اتحادیه اروپا: مطالعه موردی تحریم‌های اعمالی علیه ج.ا.ایران ۳۳
- اخراج اتباع غیرمجاز افغانستانی از ایران پیامدها، تجربه‌های جهانی و راهبردهای مدیریت هوشمند ۴۳
- مروری بر مأموریت گزارشگر ویژه تحریم سازمان ملل ۵۱
- آپارتاید جنسیتی؛ مفهومی نوین در حقوق بین‌الملل کیفری ۵۹

مقدمه

حقوق بشر به‌عنوان یکی از سه ضلع موضوعی فعالیت‌های سازمان ملل در سال‌های گذشته از اهمیت بسزایی برخوردار شده است. تنیده شدن بسیاری از رفتارهای دولت‌ها در حوزه‌های حکمرانی داخلی، روابط بین‌دولتی و امنیت بین‌المللی با رعایت یا نقض حق‌های انسانی، موضوعات مختلف حقوق بشری را از مسائلی فلسفی و انسانی، به حوزه‌هایی همچون امنیت و سیاست و اقتصاد هم وارد نموده است.

همین امر سبب شده تا استفاده ابزاری از مفاهیم حقوق بشری نیز مانند بسیاری دیگر از موضوعات، توسط دولت‌های قدرتمند عرصه بین‌الملل رواج یابد. این عرصه، خطرهای مشخصی را برای امنیت ملی هر دولت مستقلاً همانند جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند که تنها با هشیاری و به‌ویژه اتخاذ رویکردی عملیاتی به مباحث حقوق بشر بین‌المللی قابل دفاع و دفع است. بر همین مبنای نشریه «مطالعات حقوق بشر» از سوی سازمان دفاع از قربانیان خشونت به‌عنوان باسابقه‌ترین سازمان غیردولتی داخلی در فضای حقوق بشر بین‌الملل تنظیم و تدوین گردیده تا در آن تلاش شود ضمن اتخاذ رویکردی عمل‌گرایانه، حمایت‌ها و آگاهی‌هایی در حوزه دیپلماسی حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران فراهم آید.

در شماره نخست، به بررسی ابعاد چندوجهی حقوق بشر در چارچوب سیاست‌های جهانی، با تمرکز بر چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تحریم‌های یکجانبه، تنش‌های منطقه‌ای و مسائل مهاجرتی پرداخته شده است. این مجموعه مقالات، مبتنی بر تحلیل‌های حقوقی عمیق و راهبردهای عملیاتی، به کاوش در نقض‌های ساختاری حقوق بشر، واکنش‌های جامعه بین‌الملل و پیشنهادهای سیاست‌گذاری می‌پردازد. هدف اصلی، فراهم آوردن بستری علمی برای سیاست‌گذاران، پژوهشگران و نهادهای مدنی است تا هرکدام به‌نوبه خود در دیپلماسی رسمی و غیررسمی حقوق بشری کشورمان نقشی درخور و متناسب را ایفا نمایند.

راهبردهای عملیاتی جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به نقض گسترده حقوق بشر توسط رژیم اسراییل (فاز اول: سرزمین‌های فلسطینی تحت اشغال) عنوان نخستین مقاله نشریه است. نویسندگان با تمرکز بر ریشه‌های ساختاری جنایات رژیم اسراییل در فلسطین اشغالی، شش محور کلیدی را در خصوص راهبردهای عملیاتی نظام تبیین می‌کند: ارتقای دیپلماسی چندجانبه، پیگرد حقوقی جنایات، ائتلاف‌سازی منطقه‌ای

و بین‌المللی، ارتقای دیپلماسی فرهنگی، مقابله با فرآیندهای عادی‌سازی و تقویت حمایت‌های اقتصادی از ملت فلسطین. با بهره‌گیری از فرصت تجاوز اخیر رژیم اسراییل به خاک ایران، گزارش بر افشای ماهیت جنایت‌بار این رژیم و بسیج اراده جهانی برای پاسخ‌گویی تأکید دارد. در نهایت، این راهبردها به‌عنوان بخشی از پروژه‌ای چندمرحله‌ای برای ارتقای جایگاه حقوقی ایران معرفی می‌شود.

نگاهی به واکنش‌های بین‌المللی در خصوص تجاوز رژیم اسراییل به جمهوری اسلامی ایران عنوان دومین مطلب نشریه است. این گزارش، موج گسترده واکنش‌های جهانی به حملات رژیم اسراییل به ایران در خرداد ۱۴۰۴ را تحلیل می‌کند؛ از جمله بیانیه‌های محکومیت گزارش‌شگران ویژه شورای حقوق بشر، برخی نهادهای بین‌المللی و همچنین بسیاری از دولت‌ها که اقدامات رژیم اسراییل را غیرقانونی و تهدیدکننده امنیت منطقه‌ای قلمداد کرده‌اند. همچنین به موضع‌گیری‌های انتقادی کشورهای متعدد نظیر چین، روسیه و پاکستان اشاره دارد و نگرانی‌های سازمان‌هایی مانند عفو بین‌الملل و دیده‌بان را برجسته می‌سازد.

سومین مقاله، به بررسی حقوقی حکم دادگاه منطقه‌ای ایالات متحده در اورگن در خصوص اثرات منفی تحریم بر برخی بیماران ایرانی مبتلا به تالاسمی و ای‌بی اختصاص یافته است. این پژوهش، به‌نقد حقوقی حکم دادگاه آمریکایی در پرونده بیماران ایرانی علیه تحریم‌های ایالات متحده می‌پردازد، که علی‌رغم پذیرش آسیب‌های واقعی، به دلیل مانع شکلی (عدم احراز رابطه علیت) رد گردید. گزارش استاندارد اثباتی سخت‌گیرانه دادگاه را مغایر با اصول مسئولیت دولت می‌داند و بر ضرورت بازنگری دکترین‌های حقوقی برای انطباق با واقعیت‌های تحریم‌های یکجانبه و تعهدات حقوق بشری بین‌المللی اصرار می‌ورزد.

جایگاه تحریم‌های حقوق بشری در سیاست خارجی اتحادیه اروپا: مطالعه موردی تحریم‌های اعمالی علیه ج.ا.ا. ایران چهارمین پژوهش منتشره در این نشریه است. این مطالعه، جایگاه تحریم‌های حقوق بشری در سیاست خارجی اتحادیه اروپا را، با تمرکز بر انواع تحریم‌ها (هدفمند و بخشی) و چارچوب‌های اجرایی آن‌ها بررسی می‌کند و مطالعه‌ای موردی در خصوص تحریم‌های ضد ایرانی اروپا از سال ۲۰۱۱ دارد. گزارش اهداف اعلامی اتحادیه را تحلیل نموده و به انتقاد از گزینش‌گری و معیارهای دوگانه می‌پردازد.

پنجمین متن به موضوع اخراج اتباع غیرمجاز افغانستانی از ایران: پیامدها، تجربه‌های جهانی و راهبردهای مدیریت هوشمند اختصاص یافته است. این مقاله، سیاست بازگرداندن گسترده اتباع افغانستانی را تحلیل می‌کند و در ادامه با بررسی پیامدهای انسانی، حقوقی و دیپلماتیک آن و مقایسه با تجربیات موفق کشورهای چون کانادا، آلمان و پاکستان به جمع‌بندی می‌رسد. نویسنده در نهایت، راهکارهایی نظیر ارتقای ثبت مهاجران، بازگشت داوطلبانه و مشارکت اجتماعی را برای مدیریت هوشمند و انسانی پیشنهاد می‌نماید.

مروری بر مأموریت گزارشگر ویژه تحریم سازمان ملل ششمین متن نشریه است که به‌صورتی کوتاه اما دقیق و عملیاتی، مأموریت گزارشگر ویژه سازمان ملل در بررسی آثار تحریم‌های یکجانبه بر حقوق بشر را مرور می‌کند. گزارش با تمرکز بر فعالیت‌های پروفیسور آلنا دوهان از جمله سفر به ایران در ۱۴۰۱ روش ایشان بر مستندسازی اثرات

مخرب تحریم بر سلامت و اقتصاد را برجسته نموده و تلاش گزارشگر برای همکاری با نهادهای جهانی را تحسین می‌کند.

آپارتاید جنسیتی؛ مفهومی نوین در حقوق بین‌الملل کیفری آخرین مقاله نشریه مطالعات حقوق بشر است. این پژوهش، با الهام از مفهوم آپارتاید نژادی و کاربرد اخیر آن در گزارش‌های سازمان ملل در خصوص افغانستان، این موضوع را به‌عنوان تبعیض ساختاری علیه زنان بررسی می‌کند. گزارش به جایگاه حقوقی مفهوم مذکور پرداخته و امکان جرم‌انگاری آن ذیل جنایات علیه بشریت را ارزیابی می‌کند.

امید که این شماره که توسط کارشناسان ارزشمند سازمان دفاع از قربانیان خشونت به رشته تحریر درآمده، سنگ بنای یک فصلنامه تخصصی در حوزه مطالعات کاربردی حقوق بشر قرار بگیرد و کمکی باشد در ارتقا و بهبود استانداردهای دیپلماسی حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران.

۱۰

راهبردهای عملیاتی جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به نقض گسترده حقوق بشر توسط رژیم اسراییل

فاز اول: سرزمین‌های فلسطینی تحت اشغال

مقدمه

در پی تجاوز ۱۲ روزه رژیم اسراییل به جمهوری اسلامی ایران در خرداد و تیرماه ۱۴۰۴ که به شهادت شمار زیادی از شهروندان بی‌گناه انجامید، نه‌تنها ماهیت ضدبشری و جنایت‌بار این رژیم بار دیگر برای افکار عمومی منطقه و جهان برملا شد، بلکه فرصت مهمی برای آشکارسازی بی‌کیفرمانی جنایات ساختاری رژیم اسراییل در سطح بین‌المللی فراهم آمد. جنایاتی که تنها به سرزمین‌های اشغالی محدود نمی‌ماند و اکنون خود را در قالب تجاوز مستقیم به جمهوری اسلامی ایران هم نشان داده است.

این گزارش، با در نظر داشتن این واقعیت، در فاز نخست خود بر نقض سازمان‌یافته حقوق ملت فلسطین تمرکز دارد، چرا که ریشه‌های تداوم‌دار جنایات رژیم اسراییل در ساختار اشغالگری، تبعیض نژادی، و استفاده ابزاری از ابزارهای حقوقی، سیاسی، و نظامی علیه ملت فلسطین شکل گرفته است. با این درک، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از فضای همدلی و آگاهی‌سازی جهانی ناشی از تجاوز اخیر بهره‌گیرد تا چهره واقعی رژیم اسراییل را بیش از پیش افشا و اراده لازم برای پاسخ‌گویی به آن را تقویت کند. در حقیقت این گزارش، بخش نخست از یک پروژه چندمرحله‌ای راهبردی و مقدمه‌ای برای فاز دوم این پروژه خواهد بود که به‌طور خاص به پاسخ‌های حقوقی، سیاسی و بین‌المللی در قبال تجاوز به خاک ایران خواهد پرداخت. این سند در قالب شش محور طراحی شده و با هدف ارتقاء دیپلماسی چندجانبه، پیگرد حقوقی، ائتلاف‌سازی منطقه‌ای و بین‌المللی، دیپلماسی فرهنگی، مقابله با پروژه‌های عادی‌سازی و تقویت پشتیبانی اقتصادی از ملت فلسطین، مبتنی بر ظرفیت‌های بالفعل جمهوری اسلامی ایران و با رویکردی عملیاتی، تدوین شده است.

۱. ارتقای دیپلماسی چندجانبه ایران برای مقابله با نقض حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی اشغالی

۱/۱) مشارکت فعال ایران در فرایندهای شورای حقوق بشر و کمیسیون تحقیق ویژه فلسطین (COI) از طریق:

- ارسال مستندات نظام‌مند حقوق بشری (از سوی نهادهای پژوهشی ایرانی) به دبیرخانه COI به‌عنوان محتوای غیردولتی مستند (Non-State Submissions)
- شرکت فعال‌تر کارشناسان ایرانی در نشست‌های عمومی COI و ارسال بیانیه‌های کتبی رسمی

• پیگیری تعامل مستقیم میان COI و نهادهای حقوق بشری همسو در سطح منطقه‌ای که ایران می‌تواند میزبان آن‌ها باشد

۱/۲) تعیین یک «نقطه تماس غیررسمی (Unofficial Focal Point)» از میان دیپلمات‌های فعال در نمایندگی ایران در ژنو برای تعامل مستمر با اعضای کمیسیون تحقیق ویژه، با هدف تبادل اطلاعات، پیگیری ارسال مستندات، و هماهنگی مواضع در زمان برگزاری جلسات. مطابق رویه COI در سایر کشورها، امکان دریافت اطلاعات از منابع متنوع وجود دارد و تماس‌های غیررسمی با نمایندگان کشورها مسبوق به سابقه است.

۱/۳) فراخوان برای ائتلاف حقوقی سمن‌های مرتبط با موضوعات فلسطین با رعایت مراحل زیر:

• انجام پایش اولیه از میان نهادهای دارای وضعیت مشورتی در ECOSOC که پیش‌تر در زمینه حقوق فلسطینیان فعالیت داشته‌اند

• طراحی فهرستی از نهادهای مستعد برای همراهی اولیه با رویکرد پیشنهادی

• آغاز جریان سازی رسانه‌ای اولیه و سپس صدور فراخوان رسمی توسط یکی از سمن‌های معتبر و همسو برای تشکیل «ائتلاف حقوقی برای حمایت از کودکان فلسطینی»

۱/۴) راه‌اندازی سامانه‌ای بین‌نهادی با مشارکت مراکز فعال و مسئول در کشور از یک‌سو و نهادهای فعال در سایر دولت‌های مسلمان و همسو برای گردآوری مستمر اطلاعات مربوط به نقض حقوق بشر در فلسطین. مستندات تهیه‌شده در این سامانه می‌تواند به نهادهای زیر ارسال شود:

• کمیسیون تحقیق ویژه فلسطین (COI)

• گزارشگران ویژه مرتبط (SRs)

• دفتر کمیسر عالی حقوق بشر (OHCHR)

سازمان‌های منطقه‌ای همسو از جمله کمیته قدس سازمان همکاری‌های اسلامی (AI Quds Committee) کمیسیون مستقل دائمی حقوق بشر سازمان همکاری‌های اسلامی (IPHRC) و ...

۲. تقویت راهبردهای حقوقی جمهوری اسلامی ایران برای پیگرد و مستندسازی جنایات رژیم اسرائیل

۲/۱) تشکیل «مرکز هماهنگی پیگرد حقوقی جنایات رژیم اسرائیل» با مشارکت نهادهایی

مانند مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و دانشگاه‌های معتبر کشور دارای گروه‌های حقوق بین‌الملل
مأموریت مرکز: ارائه گزارش‌های حقوقی آماده برای طرح در مجامع بین‌المللی، تنظیم دادخواست‌ها و ایجاد بانک مستندات قابل استناد

۲/۲) بهره‌گیری از اصل «صلاحیت جهانی» برای پیگرد جنایات رژیم اسرائیل
• بررسی تطبیقی نظام‌های کیفری در کشورهایی مانند اسپانیا، بلژیک، آرژانتین، سوئد و آفریقای جنوبی که اصل صلاحیت جهانی را در قوانین خود به رسمیت شناخته‌اند، با هدف ارزیابی عملیاتی بودن امکان طرح دعاوی حقوقی علیه مقام‌های رژیم اسرائیل در دادگاه‌های ملی آن کشورها و شناسایی کانال‌های ارتباطی با وکلای حقوق بشر و نهادهای مدنی همسو

• همکاری با وکلای بین‌المللی و نهادهای مردم‌نهاد همسو برای تنظیم شکایات رسمی در دادگاه‌های این کشورها علیه فرماندهان نظامی رژیم اسرائیل
۲/۳) مستندسازی نقض حقوق بشردوستانه در حملات به مراکز درمانی
• تشکیل تیم کارشناسی مشترک از پزشکان و متخصصان حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای بررسی و تحلیل حملات به بیمارستان‌ها و آمبولانس‌ها در غزه
• ترجمه و ارسال اسناد به سازمان جهانی بهداشت (WHO)

۲/۴) پیشنهاد رسمی برای تشکیل «کارگروه جنایات زیست‌محیطی رژیم اسرائیل» در برنامه محیط‌زیست سازمان ملل (UNEP) و انجام اقداماتی همچون:
• ارائه گزارش فنی و حقوقی درباره آلودگی شدید خاک، منابع آب و زیست‌بوم غزه ناشی از بمباران‌ها و استفاده از سلاح‌های خاص
• ارسال گزارش از سوی دولت‌های هم‌فکر به دفتر منطقه‌ای UNEP در منامه

۲/۵) تدوین گزارش مستند حقوقی درباره استفاده از گرسنگی دادن به عنوان ابزار جنگی
• استناد به بند ۸ ماده ۲ اساسنامه رم مبنی بر جرم‌انگاری استفاده از گرسنگی دادن به عنوان روش جنگی

• مستندسازی شامل شهادت‌های میدانی، تصاویر ماهواره‌ای، گزارش‌های منع ارسال غذا و دارو، و تحلیل حقوقی اعمال ساختاری رژیم اسرائیل در ممانعت از کمک‌رسانی بشردوستانه

• ارسال گزارش به دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) و نهادهای حقوقی همسو در آسیا، اروپا و آفریقا

۲/۶) حمایت از برگزاری دادگاه مردمی نمادین علیه جنایت‌کاران صهیونیست در یکی از کشورهای اسلامی

• الگوبرداری از «دادگاه مردمی راشل کوری» (۲۰۰۵، آمریکا) که به بررسی حقوقی قتل فعال آمریکایی در غزه توسط ارتش رژیم اسرائیل پرداخت و نیز «دادگاه مردمی جنگ عراق» (۲۰۱۱، استانبول) که با مشارکت حقوقدانان جهانی برگزار شد

• حضور قضات بازنشسته، اساتید حقوق بین‌الملل، قربانیان فلسطینی و بازتاب رسانه‌ای آن در شبکه‌های معتبر

۳. ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برای پیگیری نظام‌مند حقوق فلسطینیان در

مجامع بین‌المللی

- ۳/۱) تشکیل ائتلاف کشورهای مستقل برای عدالت در فلسطین
- شامل کشورهای همسوی با جبهه مقاومت مانند ایران، الجزایر، اندونزی، ونزوئلا، آفریقای جنوبی، بولیوی، نیکاراگوئه و کوبا
 - مأموریت: پیگیری هدفمند حقوق فلسطینیان در مجامع بین‌المللی، تدوین بیانیه‌های حقوقی و تقویت جبهه همگرای غیردولتی
- ۳/۲) برگزاری نشست «گروه تماس غیردولتی حامی فلسطین»
- دعوت از نهادهای غیردولتی بین‌المللی همسو مانند SAMIDOUN، CODEPINK، Jewish Voice for Peace، و ساختارهای معتبر BDS (در صورت داشتن چارچوب رسمی همکاری‌پذیر)
 - هدف: تدوین برنامه اقدام مشترک غیردولتی‌ها در حوزه حقوق بشر شهروندان فلسطینی

- ۳/۳) تشکیل «گروه مشورتی رسانه‌ای جهان اسلام برای فلسطین»
- امکان‌سنجی حضور رسانه‌هایی از ایران، ترکیه، قطر، لبنان، اندونزی، مالزی و سایر کشورهای اسلامی؛
 - هدف: مقابله با وارونگی روایت‌ها، تدوین محتوای چندرسانه‌ای با تکیه بر روایت حقوقی و حقوق بشردوستانه
- ۳/۴) پیگیری همکاری‌های پارلمانی کشورهای اسلامی و مستقل
- استفاده از ظرفیت‌های مجمع مجالس آسیایی، اتحادیه بین‌المجالس کشورهای اسلامی و مجالس آمریکای لاتین؛
 - صدور بیانیه‌های مشترک، تشکیل گروه‌های دوستی پارلمانی، پیشنهاد تحریم‌های موضوع‌محور علیه رژیم اسرائیل.
 - هدف: همگرایی حقوقی و دیپلماتیک پارلمانی جهت مقابله با پراکندگی و اقدامات مقطعی

۴. بهره‌گیری هدفمند از دیپلماسی فرهنگی و عمومی برای شکل‌دهی افکار عمومی

جهانی نسبت به نقض حقوق بشر در فلسطین

- ۴/۱) تأسیس شبکه بین‌المللی هنرمندان و فعالان فرهنگی حامی فلسطین
- ایجاد یک پلتفرم دیجیتال با دبیرخانه‌ای در ایران برای شناسایی، شبکه‌سازی و حمایت از هنرمندان، نویسندگان، مستندسازان و فعالان فرهنگی مستقل از کشورهای همسو (مانند لبنان، اندونزی، ونزوئلا، عراق، نیجریه)
 - این پلتفرم می‌تواند با همکاری معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و رایزنی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران فعال شود.
- ۴/۲) برگزاری «هفته جهانی غزه»
- برنامه‌ریزی برای برگزاری هفته‌ای هماهنگ از رویدادهای فرهنگی، دانشگاهی و رسانه‌ای با محوریت دفاع از حقوق مردم غزه

- زمان پیشنهادی: بازه‌ای نزدیک به سالگرد آغاز حمله گسترده به غزه
 - هماهنگی با دفاتر فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای همسوس، همراه با تولید بسته‌های محتوایی چندرسانه‌ای
 - ۴/۳) تولید مستندات چندرسانه‌ای حقوقی
 - همکاری با مستندسازان مستقل کشورهای همسوس برای تولید مستندهای حقوقی درباره جنایات رژیم اسراییل بر اساس اسناد رسمی بین‌المللی
 - تمرکز بر انتقال روایت حقوقی قابل استناد برای مخاطبان بین‌المللی به زبان‌های انگلیسی، عربی، فرانسوی و اسپانیایی
 - ۴/۴) فعال‌سازی دیپلماسی دانشگاهی
 - حمایت از امضای تفاهم‌نامه‌های مشترک بین دانشگاه‌های ایران، لبنان، اندونزی، مالزی، عراق و ... برای انجام پروژه‌های مشترک، شبکه اطلاع‌رسانی از پایان‌نامه‌های مربوط به فلسطین و ...
 - برگزاری کارگاه‌ها، مسابقات، و راه‌اندازی «مرکز مطالعات اشغالگری و مقاومت» با مشارکت دانشگاه‌های جهان اسلام
 - ۴/۵) راه‌اندازی کمپین‌های دیجیتال حقوق بشری
 - راه‌اندازی کمپین‌های دیجیتال با مضامین حقوق بشری و بشردوستانه در پلتفرم‌های بین‌المللی X، اینستاگرام، یوتیوب با همکاری اینفلوئنسرهای حقوقی
 - طراحی هشتک‌های حقوق‌محور مانند #LegalisePalestine و #EndWarCrimes و تولید محتوای بصری جذاب
 - ۴/۶) برگزاری مسابقات بین‌المللی دانشجویی
 - طراحی و برگزاری مسابقات Moot Court و تحلیل حقوقی درباره جنایات جنگی در غزه با مشارکت دانشگاه‌های معتبر ایرانی
 - هدف: تربیت نسل جدیدی از مدافعان حقوق بشر با تمرکز بر پرونده فلسطین
۵. مقابله حقوقی با عادی‌سازی روابط با رژیم اسراییل و حمایت از مواضع کشورهای ضد اشغالگری
- ۵/۱) تشکیل کمیته حقوقی بین‌المللی مقابله با عادی‌سازی روابط
 - متشکل از کشورهای مستقل و مخالف عادی‌سازی همچون ایران، الجزایر، ونزوئلا، کوبا، یمن و عراق
 - هدف: ارائه استدلال‌های حقوقی مبنی بر این‌که همکاری حقوقی و اقتصادی با رژیم‌هایی که مرتکب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت است، می‌تواند مصداق «همدستی در جرم» باشد
 - مبنای حقوقی: طبق اصول عرفی حقوق بین‌الملل و بندهای کنوانسیون ژنو، کشورها موظف به عدم همکاری با ناقضان جدی حقوق بشر هستند
 - ۵/۲) راه‌اندازی کمپین‌های رسانه‌ای و دیپلماتیک ضد عادی‌سازی
 - طراحی پیام‌های چندرسانه‌ای با مضامین: «عادی‌سازی یعنی خیانت به عدالت»، «حقوق بشر قابل معامله نیست»؛

- همکاری با شبکه‌های رسانه‌ای همسو برای گسترش دامنه پیام
- برگزاری نشست‌های دیپلماتیک با کشورهای که مواضع مبهم دارند برای تبیین مخاطرات حقوقی و اخلاقی عادی‌سازی
- ۳/۵) حمایت از جنبش‌های مردمی ضد عادی‌سازی
- شناسایی گروه‌های مردمی فعال در کشورهای اسلامی که با عادی‌سازی مخالفت کرده‌اند
- تقویت ظرفیت رسانه‌ای و حقوقی این گروه‌ها با اعزام مشاوران حقوق بشر و تولید بسته‌های توجیهی
- آموزش فعالان مدنی در حوزه حقوق بین‌الملل، جرم‌انگاری اشغال، و مبانی کنوانسیون ژنو در مقابله با اشغالگری

۶. تقویت همکاری‌های اقتصادی با محوریت حمایت از ملت فلسطین

- ۱/۶) تشکیل «صندوق حمایت اقتصادی از ملت فلسطین»
- ساختار غیردولتی و خیریه - بازسازی با مشارکت کشورهای همسو
- تأمین منابع از طریق ارزهای محلی، تهاتر کالا و در موارد خاص، رزم‌ارزهای بومی
- به‌جای انتقال مستقیم پول، تمرکز بر تهیه تجهیزات پزشکی و مواد حیاتی در کشورهای ثالث (مانند اردن یا مصر) و ارسال آن‌ها از طریق کانال‌های انسانی
- ۲/۶) برگزاری «همایش بین‌المللی اقتصاد مقاومت و بازسازی غزه»
- با حضور دانشگاه‌ها، نهادهای بازسازی، اتاق‌های بازرگانی محور مقاومت
- بررسی مدل‌های کم‌هزینه بازسازی و اقتصاد جنگ‌زده
- بررسی نقش دیاسپورای فلسطینی در ایجاد زنجیره تأمین جایگزین.

جمع‌بندی

آنچه امروز در سرزمین‌های فلسطینی در جریان است، نه یک بحران مقطعی، بلکه استمرار یک پروژه تمام‌عیار اشغالگری، تبعیض و جنایت ساختاری است. رژیم اسرائیل طی دهه‌ها با نقض آشکار اصول حقوق بین‌الملل، از مجازات فرار کرده و مورد حمایت سیاسی، مالی و امنیتی برخی قدرت‌ها قرار گرفته است. با این حال، در برابر این روند، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و منطقه‌ای، و هم‌افزایی با ملت‌ها و دولت‌های مستقل، نقشی پیش‌برنده در افشای این جنایات و پیگیری پاسخ‌گویی بین‌المللی ایفا کند.

تجاوز ۱۲ روزه اخیر به خاک ایران، گواه روشنی بر تهدید فزاینده این رژیم نسبت به صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است. این تجاوز، ضمن آن‌که تأکیدی دوباره بر ماهیت بی‌پروا و فرامرزی اقدامات رژیم اسرائیل بود، اکنون می‌تواند به‌مثابه فرصتی تاریخی برای تقویت مشروعیت روایت مقاومت، بسیج ظرفیت‌های حقوقی، و فشار بر ساختارهای بین‌المللی برای پایان دادن به بی‌کیفرمانی رژیم اشغالگر عمل کند. این گزارش، با تمرکز بر فلسطین، بخشی از یک روند راهبردی وسیع‌تر است که در مرحله بعد، به‌طور مستقل به پیامدها، ظرفیت‌ها و مسئولیت‌های جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز مستقیم رژیم اسرائیل خواهد پرداخت. اجرای اقدامات پیشنهادی این گزارش

می‌تواند نه تنها موجب ارتقاء جایگاه حقوقی ایران در مجامع بین‌المللی شود، بلکه گامی مؤثر در همراهی با ملت فلسطین و تقویت جبهه جهانی عدالت و مقاومت باشد. به نظر می‌رسد اکنون زمان آن فرارسیده که جنایات رژیم اسراییل در همه ابعاد آن، در برابر چشم وجدان جهانیان قرار گیرد و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تسهیلگر قوی این فرایند باشد.

نگاهی به واکنش‌های بین‌المللی در خصوص تجاوز رژیم اسراییل به جمهوری اسلامی ایران

پس از حملات تحمیلی و تجاوزگرانه رژیم رژیم اسراییل به ایران در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ (۲۳ خردادماه ۱۴۰۴) موجی از واکنش‌های بین‌المللی با نگاهی انتقادی، محکوم‌کننده و بعضاً در حمایت از رژیم اسراییل به راه افتاد و طیف وسیعی از نظرات مختلف مطرح شد. گزارش حاضر به بررسی مهم‌ترین این دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌ها می‌پردازد.

نهادهای

نهادهای و شخصیت‌های حقوق بشری

تعداد ۸ نفر از گزارشگران ویژه از جمله گزارشگر ویژه ایران به همراه اعضای دو گروه کاری سازمان ملل در تاریخ ۴ ژوئیه (۱۳ تیرماه ۱۴۰۴) با صدور بیانیه مشترکی نسبت به سرکوب‌های ادعایی در جمهوری اسلامی ایران از زمان آغاز درگیری‌ها در تاریخ ۱۳ ژوئن و پس‌از آن، در دوره آتش‌بس، ابراز نگرانی کرده‌اند.

کارشناسان گفتند: «وضعیت‌های پس از درگیری نباید به‌عنوان فرصتی برای سرکوب اعتراضات و افزایش سرکوبگری استفاده شود. آن‌ها ضمن اذعان به تأثیر حملات نظامی غیرقانونی از سوی رژیم اسراییل و ایالات‌متحده آمریکا، نسبت به گزارش‌هایی درباره اعدام‌ها، ناپدیدسازی‌های قهری و بازداشت‌های گسترده ابراز نگرانی کرده‌اند^۱.

مای ساتو، گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر ایران، در تاریخ ۴ ژوئیه (۱۳ تیرماه ۱۴۰۴) در تویتر اعلام کرد دولت‌ها نباید از شرایط پس از درگیری به‌عنوان فرصتی برای افزایش سرکوب اقلیت‌های اثنیکی و مذهبی و همین‌طور مخالفان استفاده کنند. وی گفت: حتی با در نظر گرفتن تأثیر حملات نظامی غیرقانونی رژیم اسراییل و آمریکا، گزارش‌های هشداردهنده‌ای درباره اعدام‌ها و بازداشت‌های گسترده، مخصوصاً در میان اقلیت‌ها، دریافت کرده است^۲.

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/07/un-experts-urge-iran-choose-protection-over-repression-after-ceasefire>

2. <https://x.com/drmiasato/status/1941137681414508717>

تعداد ۲۰ نفر از گزارشگران ویژه، ۳ کارشناس مستقل و اعضای ۳ گروه کاری سازمان ملل در تاریخ ۲۶ ژوئن ۲۰۲۵ (۵ تیرماه ۱۴۰۴) با صدور بیانیه مشترکی حمله نظامی ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای در ایران را به‌طور قاطع محکوم کردند.^۱ گزارشگر ویژه ایران در تاریخ ۲۵ ژوئن (۴ تیرماه ۱۴۰۴) در توییتی اعلام کرد گزارش‌های نگران‌کننده‌ای درباره‌ی انتقال زندانیان از زندان اوین در جریان و پس از حملات رژیم اسراییل دریافت کرده است.^۲

خانم ساتو، گزارشگر ویژه ایران در تاریخ ۲۴ ژوئن (۳ تیرماه ۱۴۰۴) در توییتی اعلام کرد گزارش‌های نگران‌کننده‌ای در مورد احتمال اعدام محقق ایرانی - سوئدی، احمدرضا جلالی دریافت کرده است. به گفته وی آقای جلالی در سال ۲۰۱۶ دستگیر شد و به اتهام جاسوسی برای رژیم اسراییل به اعدام محکوم شده است.^۳

آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل، در ۲۴ ژوئن در توییت عمیقاً از تشدید بیشتر درگیری در خاورمیانه ابراز نگرانی کرده است. وی حمله ایران به قطر، کشوری که برای صلح در منطقه و فراتر از آن فعال بوده است، را به شدت محکوم کرده است.^۴

آنتونیو گوترش، در تاریخ ۲۴ ژوئن (۳ تیرماه ۱۴۰۴) در توییت اعلام کرد از اعلام آتش‌بس بین رژیم اسراییل و ایران توسط رئیس‌جمهور ترامپ بسیار استقبال می‌کند. وی از دو کشور درخواست کرد به طور کامل به آن احترام بگذارند.^۵

هیئت حقیقت‌یاب بین‌المللی سازمان ملل درباره ایران و مای ساتو، گزارشگر ویژه در امور ایران در تاریخ ۲۳ ژوئن (۲ تیرماه ۱۴۰۴) با صدور بیانیه‌ای از همه طرف‌های درگیر در تنش‌های فزاینده بین ایران و رژیم اسراییل خواستند که فوراً به حقوق بین‌المللی پایبند باشند و از غیرنظامیان که تاکنون بیشترین قربانیان این درگیری بوده‌اند، محافظت کنند.^۶

آنتونیو گوترش، در تاریخ ۲۲ ژوئن (۱ تیرماه ۱۴۰۴) در سومین نشست اضطراری تشکیل شده در خصوص ایران، به شورای امنیت گفت که بمباران سایت‌های هسته‌ای ایران توسط ایالات متحده «چرخشی خطرناک» را نشان می‌دهد و هشدار داد که منطقه نمی‌تواند «چرخه دیگری از تخریب» را تحمل کند.^۷

گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر ایران با همراهی ۱۱ نفر از گزارشگران ویژه و ۲ کارشناس مستقل و اعضای ۲ گروه کاری سازمان ملل در تاریخ ۲۰ ژوئن (۳۰ خردادماه ۱۴۰۴) با صدور بیانیه مشترکی به‌طور قاطع حملات اخیر نظامی رژیم اسراییل علیه ایران را محکوم کردند؛ حملاتی که تأسیسات هسته‌ای، زیرساخت‌های انرژی و نظامی، همچنین ساختمان‌های مسکونی و رسانه‌ای را در نقاط مختلف هدف قرار داده‌اند.^۸

دبیر کل سازمان ملل در تاریخ ۲۰ ژوئن (۳۰ خردادماه ۱۴۰۴) در صفحه توییت خود ایران

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/06/un-experts-condemn-united-states-attack-iran-and-demand-permanent-end>

2. <https://x.com/drmaisato/status/1937870663320027260>

3. <https://x.com/drmaisato/status/1937529119194939460>

4. <https://x.com/antoniogetherres/status/1937281826483061143>

5. <https://x.com/antoniogetherres/status/1937499156966191264>

6. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/06/iran-un-fact-finding-mission-special-rapporteur-call-civilian-protection-and>

7. <https://press.un.org/en/2025/sc16095.doc.htm>

8. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/06/un-experts-condemn-israeli-attack-iran-and-urge-end-hostilities>

و رژیم اسراییل را به عنوان طرفین درگیری خطاب قرار داد و پیامی با عنوان «به صلح فرصت دهید» را بیان کرد.^۱

ولکر ترک، کمیسر عالی حقوق بشر در تاریخ ۱۹ ژوئن (۲۹ خردادماه ۱۴۰۴) با صدور بیانیه‌ای نسبت به حملات گسترده رژیم اسراییل به خاک ایران و موج خشونت و درگیری‌های نظامی میان رژیم اسراییل و ایران ابراز نگرانی عمیق کرد.^۲ آنتونیو گوترش، در تاریخ ۱۹ ژوئن (۲۹ خردادماه ۱۴۰۴) در توییتی عمیقاً از تشدید تنش نظامی بین رژیم اسراییل و ایران ابراز نگرانی کرده است.^۳

نادا الناشف، معاون کمیسر عالی حقوق بشر در تاریخ ۱۸ ژوئن (۲۸ خردادماه ۱۴۰۴) در حاشیه اجلاس ۵۹ شورای حقوق بشر، تشدید نظامی بین رژیم اسراییل و ایران را بسیار نگران کننده بیان کرد و خواستار کاهش تنش و آغاز فوری مذاکرات دیپلماتیک برای پایان دادن به این حملات و یافتن راه حلی برای پیشبرد امور شد.^۴

آنتونیو گوترش، در تاریخ ۱۴ ژوئن (۲۴ خردادماه ۱۴۰۴) در توییتی با اشاره به بیماران تأسیسات هسته‌ای ایران توسط رژیم اسراییل و حملات موشکی ایران به تل‌آویو گفت: دیگر کافی ست، زمان توقف فرارسیده و صلح و دیپلماسی باید حاکم شوند.^۵

فرانچسکا آلبانیز، گزارشگر ویژه سرزمین‌های اشغالی در تاریخ ۱۴ ژوئن (۲۴ خردادماه ۱۴۰۴) در واکنش به سخنان امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، در توییتی اعلام کرد در روزی که رژیم اسراییل بدون هیچ‌گونه تحریک قبلی به ایران حمله کرده و ۸۰ نفر را کشته است، مکرون سرانجام اعتراف می‌کند که در خاورمیانه، فقط و فقط رژیم اسراییل حق دفاع از خود را دارد.^۶

آنتونیو گوترش، در بیانیه‌ای در تاریخ ۱۳ ژوئن (۲۳ خردادماه ۱۴۰۴)، تشدید نظامی در خاورمیانه را محکوم کرد و نسبت به حملات رژیم اسراییل به تأسیسات هسته‌ای ایران در میانه مذاکرات ایران و آمریکا ابراز نگرانی نمود. وی بر لزوم پایبندی کشورها به منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل تأکید کرد و از طرفین خواست با حداکثر خویشتن‌داری از گسترش درگیری جلوگیری کنند.^۷

فرانچسکا آلبانیز، در تاریخ ۱۳ ژوئن (۲۳ خردادماه ۱۴۰۴) در توییتی از موضع‌گیری خانم ساتو، گزارشگر ایران در برابر یک اقدام دیگر از تجاوز که خطر تشدید تنش‌های منطقه‌ای را به همراه دارد و همچنین توجه‌ها را از غزه، کرانه باختری، حمله به کشتی مدلین و خیزش جهانی در حمایت از فلسطین منحرف می‌کند، ابراز رضایت کرده است.^۸ مای ساتو، گزارشگر ویژه، در تاریخ ۱۳ ژوئن (۲۳ خردادماه ۱۴۰۴) و در توییتی از حملات رژیم اسراییل به ایران که چند روز پیش از مذاکرات برنامه‌ریزی شده بین آمریکا و ایران

1. <https://x.com/antonioguterres/status/1936074471078511027>

2. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/06/israel-iran-turk-calls-restraint-and-respect-international-humanitarian-law>

3. <https://x.com/antonioguterres/status/1935446806545965222>

4. <https://www.ohchr.org/en/statements/2025/06/deputy-high-commissioner-presents-secretary-generals-report-human-rights-iran>

5. <https://x.com/antonioguterres/status/1933663677619519743>

6. <https://x.com/FranceskaAlbs/status/1933645099172266365>

7. <https://www.un.org/sg/en/content/sg/statement/2025-06-12/statement-attributable-the-spokesperson-for-the-secretary-general-%E2%80%93-%E2%80%93-israeli-strikes-against-the-islamic-republic-of-iran>

8. <https://x.com/FranceskaAlbs/status/1933475166551527550>

نگاهی به واکنش‌های بین‌المللی در خصوص تجاوز رژیم اسراییل به جمهوری اسلامی ایران
در عمان رخ داد، ابراز نگرانی کرد و هشدار داد این اقدام می‌تواند تلاش‌های دیپلماتیک
برای راه‌حل مسالمت‌آمیز را تضعیف کند^۱.

سایر نهادها

شورای امنیت

سومین نشست شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ ۲۴ ژوئن (۳ تیرماه ۱۴۰۴) در پی
برقراری آتش‌بس و توقیفی موقت در درگیری‌های اخیر - حملات هوایی رژیم اسراییل
و ایالات‌متحده به تأسیسات هسته‌ای ایران و حملات موشکی متقابل تهران به پایگاه
ایالات‌متحده در قطر - برگزار شد. در این نشست اعضای دائم شورا و نمایندگان سیرائون،
پاناما، سومالی، دانمارک، اسلوانی، کره جنوبی، الجزایر، یونان، گویان، ایران، رژیم اسراییل،
آلمان، پاکستان و نماینده اتحادیه اروپا سخنرانی کردند. غالب دولت‌ها در نقد رفتار رژیم
اسراییل و آمریکا سخن گفتند. اتحادیه اروپا، فرانسه، آلمان، بریتانیا، کره جنوبی، دانمارک
از عملکرد ایران در برخی موارد (نظیر غنی‌سازی بالا، توقف همکاری با آژانس) انتقاد
و درعین حال تصریح کردند که اقدام نظامی راه‌حل نیست. تنها مخالفان اصلی مسیر
دیپلماتیک و مدافعان اقدام نظامی مستقیم علیه ایران، رژیم اسراییل و ایالات‌متحده
آمریکا بودند^۲.

دومین نشست شورای امنیت سازمان ملل ۲۰ ژوئن (۳۰ خردادماه ۱۴۰۴) درباره جنگ
رژیم رژیم اسراییل علیه ایران و بررسی ابعاد آن به درخواست ایران تشکیل شد. روسیه،
چین، پاکستان و الجزایر این حملات را محکوم کردند در حالی که آمریکا، فرانسه و بریتانیا
مستقیم و غیرمستقیم حمایت خود را اعلام کردند.

اولین جلسه ویژه شورای امنیت نیز در واکنش به حمله نظامی رژیم اسراییل علیه ایران
در تاریخ ۱۳ ژوئن برگزار شد. در مجموع، نمایندگان ایران، رژیم اسراییل، آمریکا، روسیه،
پاکستان و همچنین سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این نشست اظهارنظر
رسمی داشته‌اند^۳. غیر از رژیم اسراییل و آمریکا سایر دولت‌ها و همچنین نهادهای
بین‌المللی حاضر، از این تحولات ابراز نگرانی کردند.

اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در تاریخ ۱۴ ژوئن (۲۴ خردادماه ۱۴۰۴) با صدور بیانیه‌ای، نگرانی عمیق خود را
درباره تشدید تنش‌ها در خاورمیانه که تهدیدی برای بی‌ثباتی منطقه است، اعلام کرد و تعهد
قوی خود به امنیت منطقه‌ای از جمله امنیت رژیم اسراییل را تأکید نمود. این اتحادیه از همه
طرف‌ها خواست به حقوق بین‌الملل پایبند باشند، خویشتن‌داری کنند و از گام‌هایی که ممکن
است به پیامدهای جدی مانند رهاسازی رادیواکتیو منجر شود، خودداری کنند^۴.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۲۲ ژوئن (۱ تیرماه ۱۴۰۴) پس از تجاوز شبانه آمریکا به

1. <https://x.com/drmiasato/status/1933437740361634231>

2. <https://press.un.org/en/2025/sc16100.doc.htm>

3. <https://B2n.ir/wh4665>

4. <https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2025/06/14/israeliran-statement-by-the-high-representative-on-behalf-of-the-european-union/>

تأسیسات هسته‌ای ایران از جمله فردو اعلام کرد تاکنون گزارشی مبنی بر افزایش میزان تشعشعات در خارج از این مراکز مشاهده نشده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تاریخ ۱۴ ژوئن (۲۴ خردادماه ۱۴۰۴) در توییتی اعلام کرد بر اساس اطلاعاتی که در اختیار دارد، هیچ خسارتی در محل نیروگاه غنی‌سازی سوخت فردو یا راکتور آب‌سنگین خنداب در حال ساخت مشاهده نشده است. تاکنون خسارت دیگری در نطنز هم دیده نشده است.^۱

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تاریخ ۱۴ ژوئن (۲۴ خردادماه ۱۴۰۴) در توییتی اعلام کرد برای ارزیابی وضعیت، در اولین فرصت آماده سفر به ایران است. وی گفت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یک کارگروه در دسترس ۲۴ ساعته برای نظارت بر وضعیت ایجاد کرده و آماده استقرار کارشناسان ایمنی و امنیت هسته‌ای است.^۲

رافائل گروسی، در تاریخ ۱۴ ژوئن (۲۴ خردادماه ۱۴۰۴) در توییتی اعلام کرد با وجود تنش‌های کنونی، تنها راه پایدار برای ایران، رژیم اسرائیل، منطقه و جامعه بین‌المللی، راهی است مبتنی بر گفتگو و دیپلماسی.^۳

رافائل گروسی، در تاریخ ۱۳ ژوئن (۲۳ خردادماه ۱۴۰۴)، یک روز پس از صدور قطعنامه شورای حکام علیه ایران و هم‌زمان با حمله رژیم اسرائیل، با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد آژانس در تماس با مقامات هسته‌ای ایران است تا وضعیت تأسیسات را بررسی و تأثیرات احتمالی بر ایمنی و امنیت هسته‌ای را ارزیابی کند.^۴

کشورها

در جریان تجاوز رژیم اسرائیل به ایران، کشورهایی چون کوبا، عربستان سعودی، عمان، یمن، ونزوئلا، ژاپن، قطر، عراق، کویت، افغانستان، اندونزی، مالزی، پاکستان، چین، مصر، ترکیه، امارات متحده عربی، برزیل، روسیه، الجزایر و کره جنوبی این اقدام را محکوم و نسبت به آن موضع‌گیری انتقادی داشته‌اند.

سازمان‌های غیردولتی

سازمان عفو بین‌الملل

سازمان عفو بین‌الملل در تاریخ ۱۸ ژوئیه (۲۸ خردادماه ۱۴۰۴) با انتشار گزارشی نسبت به تشدید بی‌سابقه درگیری‌های نظامی میان ایران و رژیم اسرائیل و تأثیر فاجعه‌بار آن بر غیرنظامیان هشدار داد.^۵

عفو بین‌الملل در تاریخ ۲۰ ژوئیه (۳۰ خردادماه ۱۴۰۴)، در گزارشی نسبت به افزایش اعدام‌ها و شکنجه افراد بازداشت‌شده در ایران به اتهام «جاسوسی برای رژیم اسرائیل» هشدار داد.^۶

1. <https://x.com/iaeaorg/status/1933975914078998911>

2. <https://x.com/rafaelmgrossi/status/1933626821045551331>

3. <https://x.com/rafaelmgrossi/status/1933626823075631148>

4. <https://www.iaea.org/newscenter/statements/director-general-grossis-statement-to-uncs-on-situation-in-iran>

5. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/06/urgent-need-to-protect-civilians-amid-unprecedented-escalation-in-hostilities-between-israel-and-iran/>

6. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/06/iran-growing-fears-over-torture-and-executions-of-individuals-accused-of-espionage-for-israel/>

بررسی حقوقی حکم دادگاه منطقه‌ای اورگن آمریکا پیرامون اثرات منفی تحریم بر بیماران ایرانی

مقدمه

اقدامات قهری یکجانبه، به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف و تحمیل و تحقق سیاست‌های دولت‌های قدرتمند، می‌توانند به چالشی بنیادین در تحقق حقوق مبنایی بشر، در کشورهای تحت تحریم بدل گشته و منجر به نقض حقوق انسان‌ها گردند. این اقدامات فراگیر که بعضاً برای اعمال فشار حداکثری نسبت به کشور مورد تحریم مورد استفاده قرار می‌گیرند، با توجه به پیوستگی و وابستگی متقابل شهروندان با دولت‌ها، آثار آنها از تأثیرگذاری صرف بر بخش‌های حاکمیتی فراتر رفته و مستقیماً حیات و سلامت شهروندان عادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در ۱ مه ۲۰۲۳ معادل ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ نتیجه اقامه دعوی در دادگاه منطقه‌ای ایالات متحده در اورگن، توسط جامعه تالاسمی ایران، خانه بیماران پروانه‌ای، سازمان غیرانتفاعی «هیچ کودکی نباید رنج ببرد» (ثبت شده در اورگن آمریکا) و برخی از آسیب دیدگان علیه دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (OFAC)، منجر به صدور رأی گشت. این اقدام تلاشی حقوقی برای به چالش کشیدن تحریم‌های «فشار حداکثری» ایالات متحده علیه ایران بود که در سال ۲۰۱۸ پس از خروج آمریکا از برجام اعمال شد. خواهان‌ها عنوان می‌داشتند که این تحریم‌ها به‌طور غیرقانونی مانع دسترسی بیماران ایرانی به داروها و تجهیزات پزشکی حیاتی مانند Desferal، Jadenu و پانسمان‌های Mepilex شده که مرگ و رنج غیرضروری صدها بیمار را موجب شده است. آن‌ها خواستار اعلام حکمی مبنی بر غیرقانونی بودن تهدید یا اعمال تحریم‌نهادهایی شدند که به ایران کمک‌های بشردوستانه ارائه می‌دانند یا در این زمینه ارائه کمک می‌نمودند.

دعوی حقوقی اقامه شده توسط خواهان‌های ایرانی در محاکم فدرال این کشور، نمونه‌ای برجسته و ترازیک از تلاش حقوقی برای جبران زیان‌های انسانی وارده بر اقدامات قهری یکجانبه است. این دعوا که با هدف پاسخگو کردن دولت آمریکا در قبال آثار مرگبار کارزار «فشار حداکثری» بر دسترسی بیماران خاص به دارو و تجهیزات پزشکی حیاتی طرح شده بود، هم در دادگاه بدوی و هم در مرحله تجدیدنظر، نه به دلیل عدم اثبات آسیب‌های واقعی و هولناک، بلکه به دلیل ناتوانی خواهان‌ها در عبور از مانع شکلی شرایط اقامه دعوی (Standing) رد شد.

در این نوشتار به تحلیل و نقد استاندارد اثباتی خواهیم پرداخت که دادگاه مورد بحث برای احراز شرط «رابطه علیت و قابلیت جبران» در این پرونده به کار برده‌اند. در این پژوهش به این موضوع خواهیم پرداخت که به نظر می‌رسد استاندارد تعیین شده، که مبتنی بر لزوم ارائه شواهد مستقیم از یک ممانعت مشخص از سوی یک نهادی که امکان تحریم شدن وی وجود دارد، به دلیل نادیده گرفتن واقعیت‌ها و آثار اقدامات قهری یکجانبه، به‌ویژه پدیده متابعت افراطی، به سطح یک آستانه اثبات بیش از حد سختگیرانه و فراتر از واقعیت‌های موجود تبدیل شده است. این رویکرد در اعمال اصول حقوقی، سبب خواهد شد که در عمل یک خلاء مسئولیت برای دولت اقدامات اجرایی دولت تحریم‌کننده و انکار حق بر جبران خسارت مؤثر برای قربانیان، به سبب اهمیت اجرایی مکانیزم‌های قضایی داخلی کشورهای تحریم‌کننده در مقابل مکانیزم‌های بین‌المللی، منجر می‌گردد.

۱. چارچوب دکترین اقامه دعوی و کاربرد آن در پرونده بیماران ایرانی

دکترین شرایط اقامه دعوی یکی از بنیادین‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مفاهیم در حقوق عمومی آمریکاست که عملکرد آن تأثیری مستقیم بر میزان دسترسی شهروندان به عدالت در برابر اقدامات دولتی دارد. ریشه این دکترین در بند دوم از ماده سوم قانون اساسی است که حوزه صلاحیت قوه قضائیه فدرال را به رسیدگی به دعاوی یا اختلافات واقعی محدود می‌سازد. دیوان عالی ایالات متحده این الزام قانون اساسی را به عنوان ابزاری حیاتی برای حفظ اصل تفکیک قوا تفسیر کرده است؛ به این معنا که دادگاه‌ها باید از صدور آراء مشورتی در مورد مسائل انتزاعی یا ورود به پرسش‌های سیاسی که ذاتاً در صلاحیت قوای مجریه و مقننه است، خودداری ورزند. این دکترین تضمین می‌کند که قوه قضائیه تنها به حل و فصل اختلافات واقعی میان طرف‌های متخاصم بپردازد و از ایفای نقش به عنوان یک نهاد نظارتی عمومی بر عملکرد دولت اجتناب کند.^۱

بر اساس رویه قضایی تثبیت شده که به طور خاص در رأی دیوان عالی در پرونده *Lujan v. Defenders of Wildlife* (۱۹۹۲) تبیین و مدون گردید و در رأی حاضر نیز بدان استناد گشته است، خواهان برای عبور از این مانع شکلی باید سه شرط اساسی را اثبات نماید: نخست، ضرر واقعی (Injury in Fact) که باید ملموس، مشخص و واقعی یا قریب‌الوقوع باشد؛ دوم، رابطه علیت (Causation) که مستلزم وجود یک ارتباط منطقی و قابل استناد میان رفتار مورد شکایت خواننده و ضرر وارده است؛ و سوم، قابلیت جبران

1. <https://law.justia.com/constitution/us/article-3/21-the-requirement-of-a-real-interest.html>

(Redressability) که به معنای محتمل بودن جبران خسارت از طریق صدور رأی مساعد از سوی دادگاه است. این سه‌گانه، هسته اصلی الزامات اقامه دعوی را تشکیل می‌دهند. این چارچوب نظری، زمانی که در پرونده بیماران ایرانی به کار بسته شد، در عمل به یک مانع غیرقابل عبور تبدیل گردید.

دادگاه منطقه‌ای اورگن در بررسی شرط اول، ضمن پذیرش بی‌قیدوشرط آسیب هولناک و ملموس بیماران ایرانی و سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه، در خصوص مؤسسه «هیچ کودکی نباید رنج ببرد»، رویکردی متفاوت اتخاذ نمود. همچنان که در رأی بدان اشاره شده است، یک سازمان می‌تواند با اثبات اینکه اقدامات خواننده مأموریت آن را مختل کرده یا منابع آن را برای مقابله با آن رفتار زیان‌بار منحرف نموده، ضرر واقعی خود را اثبات کند.^۱ با این حال، دادگاه ادعای این سازمان مبنی بر آمادگی و توانایی برای کمک به بیماران را ناکافی دانست و اعلام کرد که برای احراز ضرر واقعی، سازمان باید شواهد عینی از یک «تلاش مشخص و ملموس» برای ارسال کمک ارائه می‌داد که مستقیماً با یک مانع دولتی مواجه شده باشد. دادگاه بیان داشت که قصد و توانایی برای ارائه کمک بدون توانایی نشان دادن یک اقدام مشخص که به دلیل تحریم‌ها ناکام مانده باشد برای اثبات ضرر واقعی کافی نیست. در بیان دادگاه، سازمان اخیر بیان داشته بود که آمادگی ارسال وجوهی را برای هزینه در راستای کمک‌های بشردوستانه و تجهیزات پزشکی به دو سازمان ایرانی حاضر در دعوا را داشته است اما به دلیل تحریم‌های فشار حداکثری قادر به چنین کاری نبوده است.

محور اصلی شکست دعوای خواهان‌ها که نیازمند تدقیق فراوان است، ناتوانی آن‌ها از نظر دادگاه در اثبات تحقق دو شرط درهم تنیده‌ی رابطه علیت (Causation) و قابلیت جبران (Redressability) بود. دادگاه با اعمال رویه‌های قضایی پیشین، استدلال‌های خواهان‌ها را برای ایجاد یک ارتباط حقوقی قابل قبول میان اقدامات دولت آمریکا و آسیب وارده به بیماران، ناکافی دانست.

تحلیل دادگاه از رابطه علیت بر این اصل استوار بود که وقتی یک خواهان ادعا می‌کند آسیب وارده ناشی از تأثیر اقدامات دولت بر رفتار اشخاص ثالث است، به «واقعیت‌های مشخص‌تری» برای اثبات جایگاه خود نیاز دارد. در چنین شرایطی، خواهان باید نشان دهد که اقدام غیرقانونی دولت، «حداقل یک عامل اساسی» در انگیزه اشخاص ثالث برای اتخاذ تصمیمات ایشان بوده است. خواهان‌های ایرانی، اینچنین استدلال کرده بودند که بانک‌های خارجی به دلیل «ترس از تحریم‌های ثانویه» از سوی OFAC، از تسهیل تراکنش‌های بشردوستانه خودداری می‌کنند. دادگاه با استناد به رویه قضایی کلیدی در

۱. به‌عنوان مثال سازمان، منابع مالی، انسانی یا سایر منابع خود را از فعالیت‌های اصلی خود منحرف کند تا با اثرات زیان‌بار این اقدامات مقابله کند.

3. Iran Thalassaemia Society et al. v. Office of Foreign Assets Control et al., No. 23-35366 (9th Cir. 2024)

4. Commentary on the Guiding Principles on unilateral coercive measures and human rights. (n.d.). Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights. Douhan, A. (2021).

5. United Nations Human Rights Council. (2020). Negative impact of unilateral coercive measures: Priorities and road map (A/HRC/48/59).

6. United Nations Human Rights Council. (2023). *Monitoring and assessment of the impact of unilateral sanctions and overcompliance on human rights* (A/HRC/57/55).

7. <https://law.justia.com/constitution/us/article-3/21-the-requirement-of-a-real-interest.html>

پرونده *Clapper v. Amnesty International USA*، این زنجیره علیت را که مبتنی بر «ترس گمانه‌زنانه» اشخاص ثالث از یک آسیب احتمالی در آینده بود، رد کرد. دادگاه آسیب خواهان‌ها را مستقیماً قابل استناد به «ترس‌های گمانه‌زنانه بانک‌های ثالث» دانست و نه اقدامات مشخص دولت آمریکا.

دادگاه استاندارد اثباتی مدنظر خود را در رأی مشخص نموده است. دادگاه تأکید کرد که دادخواست «هیچ ادعایی را مطرح نمی‌کند که هیچ‌یک از این بانک‌های ثالث برای تسهیل یک تراکنش تلاش کرده و متعاقباً از انجام آن منع شده یا مورد تحریم یا تهدید به تحریم قرار گرفته باشند». دادگاه با مقایسه این پرونده با پرونده *Mendia v. Garcia* که در آن خواهان توانسته بود با ارائه شواهد مستقیم از امتناع کارگزاران به دلیل دستوری دولتی، علیت را اثبات کند، خلأ مستندات در پرونده حاضر را برجسته ساخت. علاوه بر این، دادگاه اشاره کرد که خود دادخواست نیز به عوامل دیگری برای بی‌میلی بانک‌ها اشاره دارد، از جمله «پیچیدگی و گستره نامشخص تحریم‌ها» و «ناچیز بودن کارمزد‌های معمول» این تراکنش‌ها؛ عواملی که به سیاست‌های «اجتناب از ریسک» خود بانک‌ها مربوط می‌شود و نه لزوماً یک تهدید مستقیم دولتی.

دادگاه با تأکید بر فقدان شواهدی که نشان دهد بانک‌ها به‌طور خاص به دلیل ترس از تحریم‌های ثانویه یا دستورات مستقیم OFAC از انجام تراکنش‌ها خودداری کرده‌اند، عملاً مسئولیت را از دوش دولت برداشت و آن را بر دوش منطق تجاری و ارزیابی‌های ریسک داخلی بانک‌ها گذاشت. این نشان می‌دهد که در چنین دعاوی، صرف وجود یک رژیم تحریمی تهدید کننده برای اثبات رابطه علیت کافی نیست؛ بلکه باید نشان داد که این سیاست عمومی به‌طور مشخص و مستقیمی موجب امتناع شده است. در غیاب این پیوند مستقیم، مسئولیت حقوقی دولت به واسطه تصمیمات اقتصادی خودمختار اشخاص ثالث در جایگاه دوم قرار می‌گردد.

این تحلیل مستقیماً به شکست در اثبات شرط قابلیت جبران نیز منجر شد. دادگاه با استناد به رویه قضایی اعلام کرد که جبران خسارت زمانی احراز نمی‌شود که به «انتخاب‌های آزادانه بازیگران مستقلی که در برابر دادگاه پاسخگو نیستند» وابسته باشد. دادگاه با اشاره به پرونده *San Diego County Gun Rights Committee v. Reno*، که در آن لغو یک قانون لزوماً منجر به کاهش قیمت اسلحه توسط تولیدکنندگان ثالث نمی‌شد، استدلال کرد که حتی در صورت صدور حکم علیه OFAC، بانک‌های ثالث «همچنان آزاد خواهند بود که از انجام تجارت با ایران خودداری کنند».

نکته تعیین کننده این بود که خواهان‌ها نیز در دادخواست خود نیز استدلال کرده بودند که موفقیت در ترمیم آسیب‌های وارد شده به ایشان، به تصمیمات آتی این بانک‌ها وابسته است و ابراز امیدواری کرده بودند که یک حکم قضایی «باید هرگونه بی‌میلی را برای آن‌ها از بین ببرد». دادگاه این امیدواری را «گمانه‌زنانه» تلقی کرد، خصوصاً با توجه به اینکه خود دادخواست به عوامل دیگری مانند تغییرات ژئوپلیتیکی ایران و همسویی آن با قدرت‌های شرقی نیز اشاره کرده بود که می‌توانست بر محاسبات تجاری بانک‌ها تأثیر بگذارد.

از آنجا که خواهان‌ها نتوانستند یک «احتمال معقول» مبنی بر از سرگیری همکاری

بانک‌ها در نتیجه رأی دادگاه را نشان دهند و چون جبران آسیب ایشان به عقیده دادگاه، به همکاری این اشخاص ثالث وابسته بود، دادگاه این شرط را نیز احراز شده ندانست.

۲. متابعت افراطی و سیاست ریسک‌گریزی

دادگاه در تحلیل خود چنین نتیجه‌گیری کرد که زبان‌های وارده به خواهان‌ها ناشی از «تصمیمات مستقل» بانک‌های ثالث بوده است، نه لزوماً نتیجه مستقیم اقدامات ایالات متحده. این برداشت، اثر قهری و تهدیدآمیز تحریم‌های ایالات متحده را نادیده می‌گیرد. در مقابل، اسناد و گزارش‌های بین‌المللی به‌طور گسترده نشان داده‌اند که پدیده «متابعت افراطی» (over-compliance) سازوکار اصلی اثرگذاری تحریم‌هاست و این امر نه واکنشی غیرمنطقی یا صرفاً مبتنی بر حدس، بلکه تصمیمی کاملاً عقلانی و تجاری در مواجهه با محیطی است که عمداً پرخطر، مبهم و تهدیدآمیز طراحی شده است.

به‌تصریح گزارشگر ویژه سازمان ملل، فراسرزمینی بودن تحریم‌های یکجانبه، اعمال تحریم‌های ثانویه و توسعه مجازات‌های مدنی و کیفری برای نقض این رژیم‌ها از جمله عواملی هستند که مستقیماً به بروز متابعت افراطی منجر می‌شوند. علاوه بر این، فقدان شفافیت و ابهام در مقررات تحریمی، همراه با تهدید به تحمیل مجازات‌های سنگین فرامرزی، بخش خصوصی را به‌طور جدی به سمت متابعت افراطی سوق می‌دهد.

نتیجه آن است که بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، خطوط کشتیرانی و سایر مؤسسات تجاری، برای اجتناب از هرگونه ریسک، حتی از انجام معاملاتی که به‌طور غیرمستقیم به کشور هدف مرتبط باشد خودداری می‌کنند، هرچند آن معاملات به‌صراحت تحت معافیت‌های بشردوستانه مجاز باشند. این اثر اربابی صرفاً یک پیامد ناخواسته جانبی نیست، بلکه بخشی از طراحی ذاتی و آگاهانه رژیم‌های موسوم به «فشار حداکثری» برای نیل به انزوای کامل اقتصادی کشور هدف به‌شمار می‌رود. در چنین سازوکاری، آسیب ناشی از تحریم‌ها نه از طریق دستور صریح به منع، بلکه با ایجاد یک محیط تجاری سمی و پرریسک تحقق می‌یابد که فعالان اقتصادی را به پرهیز و خودداری وامی‌دارد. بنابراین در این بستر، مؤسسات مالی به سیاست‌های ریسک‌گریزی (de-risking) روی می‌آورند و یا به‌کلی از هرگونه انتقال بانکی خودداری می‌کنند، یا آن را در قالب فرایندهایی طولانی، پرهزینه و بازدارنده انجام می‌دهند. تفسیر اصول راهنما در مورد اقدامات قهری یکجانبه و حقوق بشر نیز بر این واقعیت تأکید دارد که چنین رژیم‌هایی به دلیل پیچیدگی و ابهام، اثری ارباب‌آمیز بر بازیگران خصوصی ایجاد می‌کنند و آنان را حتی از انجام فعالیت‌های مجاز و قانونی باز می‌دارند. از این منظر، خودداری بانک‌ها از ارائه خدمات مالی نه یک علت مستقل، بلکه پیامدی پیش‌بینی‌پذیر و مستقیم از معماری تحریم‌هاست — برداشتی که به‌طور بنیادی با تحلیل دادگاه ایالات متحده در تعارض است و می‌تواند استاندارد احراز مسئولیت دولت تحریم‌کننده را به‌طور قابل توجهی متحول کند.

۳. جابجایی مسئولیت: انکار تعهدات اولیه دولت

استدلال دادگاه که تصمیمات مستقل بانک‌ها را عامل اصلی آسیب‌های ناشی از تحریم‌های یکجانبه معرفی می‌کند، با اصول تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل، به‌ویژه

«اصول راهنما در مورد اقدامات قهری یکجانبه و حقوق بشر» مغایرت دارد. این استدلال، مبتنی بر تکنیک «جابجایی مسئولیت» است که دولت‌های تحریم‌کننده برای فرار از پاسخگویی در قبال نقض حقوق بشر به کار می‌برند. اصل ۲۹ مندرج در اصول راهنما به صراحت بیان می‌کند: «همه بازیگران، از جمله دولت‌ها، باید برای نقض حقوق بین‌الملل و حقوق بشر ناشی از اتخاذ، اجرا یا متابعت افراطی با تحریم‌های یکجانبه پاسخگو باشند». این اصل ریشه در «وظیفه حمایت» دولت‌ها دارد که آن‌ها را ملزم می‌کند از نقض حقوق بشر توسط اشخاص ثالث، از جمله کسب‌وکارها، پیشگیری کرده و آن را جبران کنند. اصل ۲۰ جابجایی مسئولیت را به عنوان یک گرایش مشکل‌ساز شناسایی می‌کند که با انتقال بار اثبات به کسب‌وکارها یا دولت‌های ثالث، عدم قطعیت حقوقی و متابعت افراطی را تشدید می‌کند. این سند تأکید دارد که چنین جابجایی هیچ مبنایی برای معافیت دولت‌ها از تعهدات حقوقی فراهم نمی‌کند. اصل ۳۰ با عنوان «عدم تفکیک‌پذیری مسئولیت» نیز تصریح می‌کند که دولت‌ها نمی‌توانند با استناد به اقدامات یا کوتاهی‌های کسب‌وکارها از تعهدات خود در قبال حقوق بشر شانه خالی کنند. کوتاهی در نظارت بر متابعت افراطی کسب‌وکارها، نقض مستقیم تعهدات دولت است. بنابراین، استناد دادگاه به تصمیمات مستقل بانک‌ها با اصول اجتناب‌ناپذیری مسئولیت (اصل ۲۹) و عدم تفکیک‌پذیری مسئولیت (اصل ۳۰) ناسازگار است. دولت‌های تحریم‌کننده باید در قبال نقض حقوق بشر ناشی از سیاست‌هایشان پاسخگو باشند.

۴. حق بر جبران خسارت مؤثر و انکار دسترسی به عدالت

می‌توان اتخاذ چنان آستانه اثباتی برای تحقق مسئولیت دولت تحریم‌کننده از جانب دولت را مغایر با حق بنیادین دسترسی به عدالت و جبران خسارت مؤثر دانست. دادگاه با رد دعوا به دلیل موانع شکلی (Standing)، عملاً مانعی جدی به روی هرگونه پاسخگویی قضایی در مقابل آثار ناشی از تحریم‌های یکجانبه گذاشت. این اقدام در تضاد مستقیم با اصول راهنمایی قرار دارد که تأکید می‌کنند «دولت‌ها باید از طریق ابزارهای قضایی، اداری، قانون‌گذاری یا سایر ابزارهای مناسب، جبران خسارت مؤثر را برای افرادی که حقوق بشری آن‌ها به دلیل اقدامات قهری یکجانبه نقض شده است، تضمین کنند. تفسیر این اصل به روشنی بیان می‌کند که موانع رویه‌ای نباید مانع از دسترسی قربانیان به جبران خسارت شود.

علاوه بر این، حتی معافیت‌های بشردوستانه که ممکن است به عنوان یک راهکار جایگزین مطرح شوند، در عمل ناکارآمد هستند. گزارشگر ویژه اقدامات قهری یکجانبه خانم آلنا دوهان آن‌ها را «ناکافی، پیچیده، گیج‌کننده، طولانی، پرهزینه و ناکارآمد» توصیف می‌کند. تفسیر اصول راهنما نیز تأیید می‌کند که این معافیت‌ها اغلب با تأخیرهای بوروکراتیک، شرایط سختگیرانه و عدم شفافیت همراه هستند که اثربخشی آن‌ها را تضعیف می‌کند. وقتی معافیت‌ها ناکارآمد و مسیرهای قضایی دادگاه مسدود باشند، حق بر جبران خسارت به یک مفهوم تهی از معنا تبدیل می‌شود.

۵. تحلیل انتقادی استاندارد اثباتی اتخاذ شده توسط دادگاه

استاندارد اثباتی سختگیرانه‌ای که دادگاه آمریکایی در پرونده بیماران ایرانی به کار بست، نمونه‌ای برجسته از تقابل «فرمالیسم حقوقی» با واقعیت‌های پیچیده حکمرانی بین‌المللی

است. دادگاه با اصرار بر لزوم ارائه شواهد مستقیم مبنی بر یک «مانعت مشخص» از سوی دولت که منجر به خودداری یک شخص ثالث (بانک) شده باشد، عملاً چشم خود را بر مکانیسم اصلی و مستند شده‌ای بست که رژیم‌های تحریمی مدرن از طریق آن عمل می‌کنند. این رویکرد، نه تنها مسیر دادخواهی را برای قربانیان مسدود می‌کند، بلکه با اصول بنیادین مسئولیت دولت و حق دسترسی به عدالت، آنچنان که در اسناد حقوقی بین‌المللی تبیین شده، در تعارض قرار دارد.

در واقع دادگاه با این استدلال، میان تأثیر مستقیم اقدامات دولت و تصمیمات مستقل بازیگران خصوصی قائل به تفکیک می‌شود. مطابق قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی، یک دولت مسئول اعمال اشخاص خصوصی نخواهد بود مگر آنچه ایشان به دستور، هدایت یا کنترل وی عمل نمایند و بدین ترتیب لازم است که همانند آنچه که در حقوق داخلی به سبب اقوی از مباشر دانسته می‌شود، برای انتساب اعمال اشخاص خصوصی به دولت‌ها نیز چنان استانداردی رعایت گردد. اما نکته مهم آن است که در مسئله مربوط به عدم برقراری تراکنش‌های بشردوستانه از طرف بانک‌ها، آنچه که دنبال می‌شود نه انتساب اقدامات ایشان به دولت‌ها به نحوی که عمل ایشان عمل دولت تلقی گردد، بلکه اقداماتی است که یک موجودیت خصوصی به سبب اقدامات تهدید آمیز یک دولت انجام نداده است یا به عبارتی مجبور به عدم انجام شده است. به نظر مورد اخیر نیازمند درجه پایین‌تری از آستانه اثباتی داشته و تهدیداتی که می‌تواند تغییری در رفتار شرکت‌های خصوصی به دلیل ماهیت ریسک‌گریزی خود دارند باید در اقداماتی دسته‌بندی گردد که به سبب اقدامات آن دولت انجام گرفته است و همان‌طور که در گزارش‌های خانم دوهان آورده شده است، دولت‌ها نمی‌توانند از طریق با تمسک بدین استدلال از مسئولیت خود شانه خالی کنند.

بنابراین می‌توان گفت که استاندارد اثباتی که دادگاه آمریکایی به کار گرفت، یک «پارادوکس علیت» ایجاد می‌کند: هرچه یک رژیم تحریمی در ایجاد ارباب و متابعت افراطی (که هدف اصلی آن است) موفق‌تر باشد، اثبات رابطه علیت مستقیم تحت این استاندارد قضایی دشوارتر می‌شود. این رویکرد، با نادیده گرفتن واقعیت‌های مستند عملکرد تحریم‌ها، نه تنها با یافته‌های گزارشگران سازمان ملل در تضاد است، بلکه اصول بنیادین حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت دولت و حق دسترسی به عدالت را نیز نقض می‌کند. این رأی نشان‌دهنده یک گسست عمیق میان رویه قضایی داخلی و تعهدات حقوق بشری بین‌المللی است و ضرورت بازنگری در دکترین‌های حقوقی برای انطباق با واقعیت‌های حکمرانی مدرن را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

جمع‌بندی

رأی دادگاه منطقه‌ای اورگن در پرونده بیماران ایرانی، نمونه‌ای از تقابل میان اصول فرمالیستی حقوق داخلی آمریکا و واقعیت‌های پیچیده تحریم‌های یکجانبه است. در این پرونده، با وجود پذیرش آسیب‌های جدی بیماران، دادگاه به دلیل ناتوانی خواهان‌ها در ارائه شواهد مستقیم از رابطه علیت، دعوا را رد کرد. این تصمیم، با نادیده گرفتن پدیده مستند «متابعت افراطی» و اثرات ارباب‌آمیز تحریم‌ها، در عمل راه دادخواهی قربانیان را

مسدود کرده و با اصول بین‌المللی ناظر بر مسئولیت دولت و حق دسترسی به عدالت
در تعارض قرار دارد.

جایگاه تحریم‌های حقوق بشری در سیاست خارجی اتحادیه اروپا: مطالعه موردی تحریم‌های اعمالی علیه ج.ا.ایران

مقدمه

در عصر حاضر، تحریم‌ها از جمله ابزارهای اصلی سیاست خارجی به شمار می‌روند. اتحادیه اروپا، به‌عنوان یکی از بازیگران مهم عرصه بین‌الملل، از این ابزار به‌طور گسترده برای مقابله با تهدیدات ادعایی علیه صلح، امنیت بین‌المللی و ارزش‌های بنیادین خود بهره می‌برد. در میان انواع مختلف تحریم‌ها، «تحریم‌های مبتنی بر حقوق بشر» جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی این اتحادیه یافته‌اند و به یکی از ابزارهای برجسته در چارچوب دیپلماسی اروپایی بدل شده‌اند؛ ابزاری که هدف آن، بنا بر ادعای اتحادیه، نه تنها واکنش به نقض‌های جدی حقوق بشر، بلکه اعمال فشار برای تغییر رفتار و حمایت از قربانیان نقض حقوق بشر عنوان شده است.

با این حال، استفاده از تحریم‌های حقوق بشری، همواره با پرسش‌های مهمی روبه‌رو بوده است: آیا این تحریم‌ها واقعاً بر مبنای اصول جهانی حقوق بشر اعمال می‌شوند یا تابعی از منافع راهبردی و ملاحظات ژئوپلیتیکی‌اند؟ عملکرد اتحادیه اروپا در این زمینه تا چه حد سازگار با ادعاهای حقوق بشری‌اش است؟ کارآمدی این تحریم‌ها در عمل چگونه ارزیابی می‌شود و چه پیامدهایی برای کشورهای هدف، مردم عادی و نظام بین‌الملل به همراه دارد؟

پژوهش حاضر تلاشی است برای تحلیل ساختاری و کارکردی تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا، با تمرکز بر اهداف اعلامی، چارچوب‌های حقوقی، نمونه‌های اجرایی و آثار و پیامدهای ناشی از عملکرد آن با تمرکز بر تحریم‌های اعمالی علیه ج.ا.ایران.

فصل اول: نگاهی به تحریم‌ها و جایگاه حقوق بشر در سیاست‌های اتحادیه اروپا

تحریم‌ها از جمله ابزارهای کلیدی در سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا (CFSP) به شمار می‌روند. این ابزار به اتحادیه امکان می‌دهد تا در صورت لزوم، برای پیشگیری از درگیری‌ها، واکنش به بحران‌های جاری یا در حال ظهور، ترویج صلح، دموکراسی، احترام به حاکمیت قانون، حقوق بشر و حقوق بین‌الملل مداخله نماید. با این وجود، اتحادیه اروپا ادعا می‌کند که هر چند این دسته از اقدامات «تحریم» نامیده می‌شوند؛ اما این اقدامات محدود کننده، ماهیت تنبیهی ندارند و صرفاً هدف آن‌ها تأثیرگذاری بر سیاست‌ها یا رفتار کشور تحریمی است، آن‌هم از طریق اعمال محدودیت بر دولت‌ها، نهادها، گروه‌ها یا افرادی که در این رفتارها نقش دارند، حتی اگر خارج از اتحادیه اروپا باشند.

۱. انواع تحریم‌ها در سیاست خارجی اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در حال حاضر ۵۰ رژیم تحریمی مختلف را در چارچوب سیاست خارجی و امنیتی مشترک (CFSP) اجرا می‌کند و این تحریم‌ها در حال حاضر علیه ۵۰۰۰ فرد و نهاد در کشورهای هدف اعمال شده‌اند. این تحریم‌ها بسته به منبع و منشأ آن‌ها به ۳ دسته تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از:

۱/۱) تحریم‌های سازمان ملل متحد

اتحادیه اروپا کلیه تحریم‌های مصوب شورای امنیت سازمان ملل را از طریق تبدیل آن‌ها به قوانین اتحادیه، به اجرا درمی‌آورد. در این راستا، اتحادیه در گفت‌وگویی مستمر با سازمان ملل قرار دارد تا هماهنگی بهتری میان اقدامات کشورهای عضو اتحادیه در اجرای این تحریم‌ها حاصل شود.

۱/۲) تحریم‌های مستقل اتحادیه اروپا

شورای اتحادیه اروپا می‌تواند به ابتکار خود تصمیم به اعمال تحریم‌هایی مستقل از سازمان ملل بگیرد. این نوع از تحریم‌ها معمولاً برای مدت ۱۲ ماه تصویب می‌شوند و پس از آن، بسته به شرایط، قابل تمدید یا لغو خواهند بود.

۱/۳) تحریم‌های ترکیبی (مختلط)

اتحادیه اروپا ممکن است در کنار اجرای تحریم‌های مصوب شورای امنیت، اقدامات سخت‌گیرانه‌تری نیز اعمال کند تا این تحریم‌ها را تقویت نماید. در نتیجه، این نوع از تحریم‌ها، ترکیبی از الزامات بین‌المللی و تصمیمات مستقل اتحادیه اروپا هستند.

۲. ابزارها، دامنه و سازوکار اجرایی تحریم‌های اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در چارچوب سیاست خارجی و امنیتی مشترک خود، هم از تحریم‌های هدفمند (Targeted Sanction) و هم از تحریم‌های بخشی (Sectoral Sanction) استفاده می‌کند. هرکدام از این موارد دارای شیوه‌های اجرا و آثار خاصی هستند که در ادامه به توضیح آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲/۱) تحریم‌های هدفمند علیه افراد و نهادها

بخش قابل توجهی از تحریم‌های اتحادیه اروپا، به صورت هدفمند علیه افراد و نهادهای خاص اعمال می‌شود. این تحریم‌ها معمولاً شامل سه دسته اقدام هستند:

۱. مسدود کردن دارایی‌ها و منابع اقتصادی

۲. ممنوعیت سفر

۳. ممنوعیت ارائه منابع مالی یا اقتصادی به افراد یا نهادهای فهرست شده.

منظور از مسدود کردن دارایی، ضبط کلیه اموال و منابع اقتصادی در اختیار یا تحت کنترل افراد یا نهادهای هدف است از جمله: وجه نقد، اوراق بهادار و نظایر آن که دیگر اجازه دسترسی، انتقال یا فروش آن‌ها وجود ندارد؛ به‌علاوه آنکه املاک و مستغلات نیز مشمول این محدودیت‌ها شده و نمی‌توان اقدام به فروش و یا اجاره آن‌ها نمود.

ممنوعیت صدور ویزا یا سفر نیز به این معناست که دیگر افراد تحت تحریم اجازه ورود به قلمروی اتحادیه اروپا را نخواهند داشت.

ممنوعیت ارائه منابع مالی یا اقتصادی به افراد یا نهادهای فهرست شده بدین معناست

که هیچ شخص، شرکت یا نهاد در قلمرو اتحادیه اروپا حق ندارد به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، پول، دارایی، خدمات مالی یا هر نوع منابع اقتصادی را در اختیار افراد یا نهادهای تحت تحریم قرار دهد. این اقدام با هدف جلوگیری از تأمین مالی فعالیت‌های نقض حقوق بشر و اعمال فشار اقتصادی برای توقف این اقدامات صورت می‌گیرد.

۲/۲) تحریم‌های بخشی یا موضوع محور:

در کنار تحریم‌های هدفمند، اتحادیه اروپا ممکن است تحریم‌های بخشی نیز اعمال کند؛ از جمله:

- محدودیت‌های اقتصادی و مالی، مانند محدودیت در واردات و صادرات کالاها و فناوری‌های خاص، همچنین محدودیت در ارائه خدمات بانکی
- تحریم‌های تسلیحاتی از جمله ممنوعیت صادرات سلاح یا تجهیزات که ممکن است در درگیری‌ها یا سرکوب داخلی استفاده شود.
- برای نمونه پس از درگیری نظامی روسیه و اوکراین در فوریه 2022، اتحادیه اروپا مجموعه‌ای از تحریم‌های گسترده و بی‌سابقه‌ای را اعمال کرده که هم شامل تحریم‌های هدفمند (نظیر مسدودسازی دارایی و ممنوعیت صدور ویزا برای افراد خاص) می‌باشد و هم شامل تحریم‌های بخشی؛ چراکه دامنه این تحریم‌ها بخشی از حوزه‌های تجارت، انرژی، حمل و نقل، امور مالی و رسانه را در بر گرفته است.

۳. تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا: مبانی، مصادیق و دامنه شمول

با توجه به اینکه حمایت و ترویج حقوق بشر یکی از ارکان اصلی سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا به شمار می‌رود، این اتحادیه در ۷ دسامبر ۲۰۲۰ از سازوکار جدیدی تحت عنوان «نظام جهانی تحریم‌های حقوق بشری»^۱ رونمایی کرد؛ سازوکاری که به گفته مقام‌های اروپایی، با هدف پاسخ به نقض‌های جدی، نظام‌مند و گسترده حقوق بشر در سطح بین‌المللی طراحی شده است.

اتحادیه اروپا این چارچوب را الگویی اروپایی از «قانون ماگنیتسکی» ایالات متحده معرفی می‌کند که به اتحادیه امکان می‌دهد بدون نیاز به تأیید شورای امنیت سازمان ملل متحد، اقدامات محدودکننده‌ای (تحریم) از جمله مسدودسازی دارایی‌ها و ممنوعیت تأمین منابع مالی برای افراد و نهادهای هدف و اعمال ممنوعیت سفر به قلمرو اتحادیه علیه افرادی که به‌زعم این اتحادیه، مسئول یا مشارکت‌کننده در نقض‌های شدید حقوق بشر هستند، اعمال کند. اتحادیه اروپا اعلام کرده است که با بهره‌گیری از این ابزار، می‌تواند با استقلال و انعطاف بیشتر، از ارزش‌های بنیادین سیاست خارجی خود - همچون کرامت انسانی، دموکراسی، حاکمیت قانون و حقوق بشر - دفاع کند. با این حال، برخی تحلیل‌گران بر این باورند که استفاده گزینشی از این رژیم تحریمی و تمرکز آن بر کشورهایی خاص، ممکن است به تضعیف ادعای بی‌طرفی و جهان‌شمولی آن منجر شود.

تا زمان نگارش این گزارش، افراد و نهادهایی از کشورهایی مانند روسیه، ایران، میانمار،

چین و ونزویلا مشمول این رژیم تحریمی قرار گرفته‌اند. گفتنی است از جمله نوآوری‌های اتحادیه اروپا در این زمینه آن است که برخلاف رژیم‌های تحریمی جغرافیایی که حول محور وضعیت یک کشور خاص شکل می‌گیرند، تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا ماهیت موضوع محور دارند. یعنی معیار اصلی برای اعمال تحریم، «رفتار» فرد یا نهاد مربوطه می‌باشد نه ملیت یا موقعیت جغرافیایی آن‌ها. مطابق مقررات این رژیم، افراد و نهادهایی که مرتکب یکی از اقدامات زیر شوند، ممکن است مشمول اقدامات محدودکننده قرار گیرند:

- نسل‌کشی
 - جنایت علیه بشریت
 - شکنجه و رفتارهای ظالمانه
 - به بردگی کشاندن
 - اعدام‌های بدون رعایت تشریفات دادرسی عادلانه
- علاوه بر این موارد، برخی دیگر از اعمال نیز در صورتی که به صورت گسترده، نظام‌مند یا نگران‌کننده صورت گیرد و رسیدگی به آن‌ها در راستای اولویت‌های راهبردی سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا (مندرج در ماده ۲۱ معاهده اتحادیه اروپا) باشد، در قلمرو شمول این رژیم قرار می‌گیرند:

- قاچاق انسان؛
- نقض حقوق بشر توسط قاچاقچیان مهاجران؛
- خشونت‌های مبتنی بر جنسیت یا خشونت‌های جنسی؛
- نقض یا سوءاستفاده از آزادی اجتماعات مسالمت‌آمیز و آزادی تشکیل انجمن؛
- نقض یا سوءاستفاده از آزادی بیان و آزادی عقیده؛
- نقض یا سوءاستفاده از آزادی دین یا اعتقادات؛

افراد و نهادهایی که مسئول یا درگیر نقض‌ها و سوءاستفاده‌های جدی از حقوق بشر در سطح جهانی هستند، اولین هدف‌های این رژیم تحریمی قرار می‌گیرند. همچنین، افراد یا نهادهایی که با مرتکبان این اقدامات ارتباط یا همکاری دارند نیز می‌توانند مشمول تحریم قرار گیرند. به‌علاوه این رژیم هم عاملان دولتی و هم غیردولتی را صرف نظر از محل اقامت یا فعالیت آن‌ها، اعم از ارتکاب نقض در کشور خود، سایر کشورها یا به صورت فرامرزی، هدف قرار می‌دهد. در حقیقت این رژیم حقوقی، اتحادیه اروپا را قادر می‌سازد تا بدون در نظر گرفتن ملاحظات جغرافیایی یا سیاسی، ناقضان ادعایی حقوق بشر را در هر نقطه‌ای از جهان هدف اقدامات تحریمی قرار دهد.

۴. ساز و کار تصویب و اعمال اقدامات محدودکننده (تحریم) در اتحادیه اروپا

ساز و کار تصویب و اعمال اقدامات محدودکننده (تحریم‌ها) در اتحادیه اروپا بر مبنای موارد حقوقی مشخصی بنا شده است. مبنای حقوقی این تحریم‌ها، «ماده ۲۹ معاهده اتحادیه اروپا^۱ برای اقدامات سیاست خارجی» و «ماده ۲۱۵ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا^۲

1. Thematic
2. TEU
3. TFEU

در صورت وجود تحریم‌های اقتصادی و مالی» هستند. اقدامات محدودکننده و تحریم‌ها در اتحادیه اروپا در قالب تصمیمات شورای اتحادیه بر اساس «سیاست خارجی و امنیتی مشترک» اتحادیه اروپا تصویب می‌شوند. برای تصویب و اجرای این اقدامات فرایند خاصی طی می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. ارائه پیشنهاد اولیه: تهیه طرح و پیشنهاد اولیه از سوی کشورهای عضو اتحادیه اروپا یا نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی و سیاست امنیتی ارائه می‌شود.
۲. ارائه طرح و پیشنهاد به شورای اتحادیه اروپا^۱ (این شورا متشکل از وزرای خارجه کشورهای عضو است).

۳. بررسی پیشنهاد در نهادهای زیر:

کارگروه منطقه‌ای شورای اتحادیه اروپا مربوط به کشور یا منطقه هدف (برای مثال برای موارد مربوط به ایران در کارگروهی که موارد مربوط به ایران را انجام می‌دهد بررسی می‌شود).

کارگروه مشاوران روابط خارجی (RELEX)

کمیته سیاسی و امنیتی (PSC) (در صورت نیاز)

کمیته نمایندگان دائم کشورهای عضو (CoreperII)

۴. اتخاذ تصمیم نهایی: پس از طی مراحل بررسی، اگر تصمیم نهایی توسط شورای اتحادیه اروپا به اجماع^۲ همه اعضا اتخاذ شود، برای مرحله نشر عمومی آماده می‌شود.

۵. انتشار و لازم‌الاجرا شدن: تصمیم شورای اتحادیه^۳ در روزنامه رسمی اتحادیه اروپا (OJEU) منتشر می‌شود و از زمان انتشار در تمام کشورهای عضو لازم‌الاجرا می‌گردد و نیاز به تصویب در سطح ملی ندارد.

فصل دوم: تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه ایران

۱. سابقه

در سال ۲۰۱۱ برای اولین بار اتحادیه اروپا با ادعای نقض جدی حقوق بشر در ایران، تحریم‌هایی را علیه جمهوری اسلامی اعمال کرد. این تحریم‌ها به زعم اتحادیه اروپا، در پی نقض حقوق بشر پس از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ و افزایش اعدام‌ها در این سال نسبت به ده سال گذشته، به‌ویژه اعدام زهرا بهرامی، شهروند دو تابعیتی هلندی-ایرانی و افراد زیر ۱۸ سال اعمال شد. این تحریم‌ها با هدف محدود کردن مقاماتی که در نقض حقوق بشر نقش داشتند وضع شد و تأکید داشت که این محدودیت‌ها باید صرفاً مسئولان داخلی را هدف قرار دهند نه مردم عادی را. این تصمیم در چارچوب تلاش‌های اتحادیه اروپا برای پاسخ به نقض ادعایی حقوق بشر در ایران و همزمان با فشار بر برنامه هسته‌ای ایران اتخاذ شد. در طی این تحریم‌ها افرادی از جمله، احمدرضا رادان، محمود عباس‌زاده مشکینی، محمدرضا حبیبی، غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، ابوالقاسم صلواتی، حسین طائب و علی فضلی تحت تحریم قرار گرفتند. از آن سال به بعد این رژیم تحریمی

1. The council of EU

2. Unanimity

3. Council Decision

تقریباً هر ساله تمدید و گسترش یافته و تا امروز هم ادامه دارد؛ لازم به ذکر است فهرست افراد و نهادهای تحریم شده مرتباً به‌روزرسانی و افزایش یافته است.

از اکتبر ۲۰۲۲، اتحادیه اروپا با ادعای تشدید و خامت وضعیت حقوق بشر در ایران (هم‌زمان با تحولات مرتبط با فوت مهسا امینی)، تحریم‌های خود را به طرز چشمگیری افزایش داده و یازده بسته تحریمی جدید علیه نهادها و افراد واقع در ایران وضع کرده است. در نتایج نشست شورای اتحادیه اروپا در رابطه با ایران در دسامبر ۲۰۲۲، اتحادیه هدف از وضع تحریم‌ها علیه ایران را ادعای حمایت از آرزوهای مردم ایران برای آینده‌ای که در آن حقوق بشر جهانی و آزادی‌های اساسی آن‌ها تحقق یابد، مطرح می‌کند. مواردی که از سوی اتحادیه اروپا در رابطه با وضعیت حقوق بشر در ایران مورد ادعا و محکومیت قرار گرفته، عبارت‌اند از:

- استفاده گسترده و نامتناسب از زور علیه معترضان مسالمت‌آمیز؛
- بازداشت‌های خودسرانه و فراقانونی به‌ویژه با هدف سرکوب منتقدان و مدافعان حقوق بشر؛
- استفاده از رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی علیه بازداشت‌شدگان در زندان‌های ایران؛
- صدور و اجرای احکام اعدام علیه معترضان، نوجوانان (افراد ۱۸ سال در زمان ارتکاب جرم) و فعالان حقوق بشر؛
- اعمال محدودیت‌های شدید بر ارتباطات، از جمله قطع اینترنت و محدودسازی فضای دیجیتال؛
- عدم تضمین آزادی‌های بنیادین، از جمله آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز و آزادی بیان و عقیده (چه در فضای آنلاین و چه آفلاین)؛
- تبعیض ساختاری و نظام‌مند علیه زنان و دختران، در سطوح قانونی و اجرایی؛
- عدم پایبندی به تعهدات بین‌المللی حقوق بشری و تداوم مصونیت از مجازات برای ناقضان حقوق بشر؛
- فقدان سیاست‌های مؤثر پیشگیرانه با رویکرد جنسیتی برای مقابله با خشونت‌های جنسی و حمایت از قربانیان؛
- عدم همکاری با ساز و کارهای بین‌المللی حقوق بشر.

۲. ماهیت تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه ایران

تحریم‌های اعمال شده در این حوزه عمدتاً شامل اقدامات محدودکننده فردی و نهادی هستند که شامل موارد زیر می‌باشند:

- مسدودسازی دارایی‌ها و منابع مالی افراد و نهادهای مشخص شده؛
 - ممنوعیت ارائه هرگونه منابع مالی یا اقتصادی به اشخاص و نهادهای تحت تحریم؛
 - ممنوعیت فروش، انتقال یا صادرات تجهیزات برای سرکوب داخلی؛
 - ممنوعیت ارائه خدمات فنی، واسطه‌گری یا تأمین مالی مرتبط با این تجهیزات.
- در تاریخ ۱۴ آوریل ۲۰۲۵، اتحادیه اروپا اعلام کرد که در ادامه اقدامات خود در حوزه تحریم‌های حقوق بشری علیه ایران، هفت فرد و دو نهاد دیگر را به فهرست تحریم‌شدگان افزوده است. بر اساس بیانیه منتشرشده، این افراد و نهادها به ادعای اتحادیه اروپا، در مواردی چون «نقض جدی حقوق بشر»، از جمله «استفاده از سازوکارهای قضایی برای

بازداشت‌های خودسرانه»، نقش داشته‌اند.

در این چارچوب، اتحادیه اروپا زندان مرکزی شیراز و شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز را به‌عنوان نهادهایی که بنا بر ادعای اتحادیه، در نقض حقوق بنیادین نقش داشته‌اند، مشمول اقدامات محدودکننده قرار داده است. همچنین، هدایت‌ا... فرضی رئیس زندان اوین و مهدی نعمتی رئیس اداره حفاظت و اطلاعات زندان‌های فارس، از جمله افرادی هستند که در این دور از تحریم‌ها هدف قرار گرفته‌اند.

در مجموع، طبق اعلام اتحادیه اروپا، تا آوریل ۲۰۲۵، تعداد افراد مشمول تحریم‌های حقوق بشری علیه ایران اکنون به ۲۳۲ فرد حقیقی شامل: مقامات بلندپایه دولت، اعضای مجلس، مسئولان امنیتی، اعضای سپاه پاسداران، مدیران زندان‌ها و اعضای شورای عالی فضای مجازی و ۴۴ نهاد حقوقی از جمله: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، گشت ارشاد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی فضای مجازی و... می‌باشد.^۱

۳. فرآیند بازبینی اقدامات محدودکننده (تحریم‌ها)

اقدامات محدودکننده اتحادیه اروپا به‌طور مستمر تحت بازبینی قرار می‌گیرند تا اطمینان حاصل شود که همچنان در راستای اهداف اعلام شده خود مؤثر و کارآمد باقی مانده‌اند.

۱/۳) تحریم‌های سازمان ملل

تحریم‌های ناشی از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد دارای بازه زمانی مشخصی نیستند و در صورت تصمیم سازمان ملل بدون تأخیر اصلاح یا لغو می‌شوند.

۲/۳) تحریم‌های ترکیبی (مختلط)

در موارد تحریم‌های ترکیبی (شامل مفاد الزام‌آور سازمان ملل و تصمیمات مستقل اتحادیه اروپا)، مقررات مرتبط با سازمان ملل بدون محدودیت زمانی هستند. اما بخش‌های مستقل مرتبط با اتحادیه اروپا، حداقل سالی یک بار مورد بازبینی قرار می‌گیرند.

۳/۳) تحریم‌های مستقل اتحادیه اروپا

تحریم‌های مستقل اتحادیه اروپا از طریق تصمیمات شورای اتحادیه^۲ برای مدت زمان مشخصی (معمولاً ۱۲ ماه) به تصویب می‌رسند. در مقابل، مقررات شورای اتحادیه^۳ که ابزار حقوقی لازم برای اجرای این تصمیمات در نظام حقوقی اتحادیه محسوب می‌شوند، عمدتاً بدون بازه زمانی مشخص و به صورت باز^۴ صادر می‌گردد. پیش از انقضای تصمیم شورا، این نهاد اقدام به بازبینی وضعیت می‌کند و با توجه به شرایط، ممکن است نسبت به تمدید، اصلاح یا تعلیق اقدامات محدودکننده اقدام نماید.

۴. مکانیسم‌های تجدید نظر و اعتراض در نظام تحریم‌های اتحادیه اروپا

برای اعتراض یا درخواست خروج از فهرست تحریم‌ها در نظام اقدامات محدودکننده اتحادیه اروپا (تحریم‌ها)، دو مسیر اصلی وجود دارد:

۰. برای مشاهده لیست اسامی افراد و نهادها به لینک زیر مراجعه شود:

[https://www.sanctionsmap.eu/#/main/details/17/lists?checked=17&search={\"value\": \"\", \"searchType\": \"\"}](https://www.sanctionsmap.eu/#/main/details/17/lists?checked=17&search={\)

2. Council Decision

3. Council Regulation

4. Open-end

۴/۱) درخواست بازنگری اداری از شورای اتحادیه اروپا افراد یا نهادهای تحریم شده که نام آن‌ها در فهرست اقدامات محدودکننده اتحادیه اروپا (تحریم‌ها) درج شده است، می‌توانند با ارائه مستندات و دلایل خود، از شورای اتحادیه، درخواست کنند که تصمیم مربوط به تحریم آن‌ها مورد بازنگری قرار گیرد. این درخواست باید به صورت کتبی و رسمی به آدرس شورای اتحادیه اروپا ارسال شود.

۴/۲) اقامه دعوی در دادگاه عمومی اتحادیه اروپا افراد و نهادهایی که در فهرست تحریم قرار گرفته‌اند، می‌توانند مطابق با بند دوم ماده ۲۷۵ و بندهای چهارم و ششم ماده ۲۶۳ «معاهده عملکرد اتحادیه اروپا»^۱ علیه تصمیم اتحادیه اروپا در دادگاه عمومی اتحادیه اروپا^۲ اقامه دعوی کنند.

در صورتی که دادگاه عمومی اتحادیه اروپا تشخیص دهد که درج نام فرد یا نهاد در فهرست تحریم‌ها مغایر با اصول حقوقی اتحادیه اروپا بوده است - از جمله فقدان دلایل کافی، نقض حق دفاع یا تضاد با حقوق بنیادین مندرج در منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا - می‌تواند حکم به بی‌اعتباری تصمیم تحریمی داده و دستور حذف نام آن فرد یا نهاد از فهرست اقدامات محدودکننده را صادر کند.

۵. دامنه اجرای تحریم‌های اتحادیه اروپا

دامنه اجرای تحریم‌های اتحادیه اروپا کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی تابع کشورهای عضو، همچنین تمامی اشخاص و نهادهایی را که در قلمرو اتحادیه مستقر هستند یا با اشخاص و نهادهای آن تعامل اقتصادی دارند، در بر می‌گیرد. این اقدامات محدودکننده (تحریم‌ها) از منظر حقوقی برای تمامی اتباع اتحادیه و نیز اشخاصی که در قلمرو آن حضور دارند یا با آن تعامل دارند، الزام‌آور و لازم‌الاجرا هستند. مسئولیت اصلی اجرای تحریم‌ها بر عهده کشورهای عضو اتحادیه اروپاست. این کشورها موظف‌اند از طریق تصویب مقررات اجرایی در سطح ملی، اجرای مؤثر تحریم‌ها را در قلمرو صلاحیت خود تضمین کنند. وظایف آن‌ها شامل شناسایی موارد احتمالی نقض، انجام تحقیقات اداری یا کیفری در صورت لزوم و اتخاذ اقدامات اجرایی مناسب، از جمله اعمال مجازات‌های اداری یا کیفری علیه ناقضان مقررات تحریمی است.

کمیسیون اروپا نیز به‌عنوان نهاد ناظر بر اجرای معاهدات اتحادیه، بر حسن اجرای این مقررات در سطح اتحادیه نظارت می‌کند و راهنمایی‌های لازم را در خصوص انواع تحریم‌ها، از جمله تحریم‌های موضوعی یا جغرافیایی ارائه می‌دهد. نظارت قضایی بر مشروعیت، تفسیر و اجرای تحریم‌ها بر عهده دیوان دادگستری اتحادیه اروپا (CJEU) است. همچنین، نهادهای مالی، به‌ویژه بانک‌ها، نقشی کلیدی در اجرای صحیح و کامل تحریم‌ها ایفا می‌کنند و موظف به رعایت دقیق تمامی الزامات قانونی مربوطه هستند.

جمع‌بندی

تحریم‌های حقوق بشری به یکی از ارکان سیاست خارجی اتحادیه اروپا بدل شده‌اند؛ ابزاری که اتحادیه مدعی است برای حمایت از کرامت انسانی، دموکراسی و حقوق بشر به

1. TFEU

2. General Court of the EU

کار می‌گیرد. رژیم تحریمی حقوق بشری مصوب سال ۲۰۲۰، مشابه قانون ماگنیتسکی آمریکا، اتحادیه را قادر می‌سازد تا ناقضان ادعایی حقوق بشر را هدف اقدامات محدودکننده از جمله ممنوعیت سفر، مسدودسازی دارایی و منع ارائه منابع مالی قرار دهد. این اقدامات می‌توانند علیه اشخاص حقیقی یا حقوقی، بدون توجه به ملیت یا محل اقامت آن‌ها، اعمال شوند. در مورد ایران، این تحریم‌ها از سال ۲۰۱۱ آغاز و پس از تحولات ۲۰۲۲ شدت یافته‌اند. هدف اصلی، تأثیرگذاری بر رفتار مقامات و نهادهای ایرانی، از طریق اقدامات هدفمند مانند مسدودسازی دارایی‌ها، ممنوعیت سفر و تحریم‌های اقتصادی بوده است. این اقدامات در چارچوب تصمیمات شورای اتحادیه اروپا، با پشتوانه حقوقی مشخص و فرآیند نظارتی و اجرایی و امکان اعتراض و تجدیدنظر همراه بوده‌اند. با این حال، عملکرد اتحادیه اروپا در اعمال این تحریم‌ها، همواره با پرسش‌های مهمی درباره گزینش‌گری، معیارهای دوگانه و اولویت یافتن منافع ژئوپلیتیکی مواجه بوده است. از این رو، هر چند اتحادیه اروپا در ساختار و اجرا، نظامی پیشرفته و حقوق محور برای تحریم‌ها بنا کرده، اما حفظ مشروعیت بین‌المللی آن در گرو شفافیت، عدم تبعیض و پایبندی صادقانه به اصول اعلامی خود خواهد بود.

FY

اخراج اتباع غیرمجاز افغانستانی از ایران پیامدها، تجربه‌های جهانی و راهبردهای مدیریت هوشمند

مقدمه

ایران طی بیش از چهار دهه گذشته، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مقاصد مهاجرت اتباع افغانستانی، همواره نقشی کلیدی در میزبانی، حمایت و اسکان مهاجران و پناه‌جویان ایفا کرده است. این نقش‌پذیری که ریشه در پیوندهای تاریخی، فرهنگی و زبانی مشترک دو ملت دارد، باعث شده تا ایران با میزبانی میلیون‌ها مهاجر، به‌ویژه در دوره‌های بحرانی افغانستان، در زمره کشورهای پیش‌تاز در پذیرش پناهندگان و مهاجران قرار گیرد. با این حال، در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از تسلط مجدد طالبان بر افغانستان و افزایش فشارهای اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی و نارضایتی‌های داخلی، سیاست‌های مهاجرتی ایران با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شده است.

طبق آمارهای رسمی منتشر شده از سوی مرکز امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور، حدود ۶ میلیون تبعه افغانستان در ایران زندگی می‌کنند که بیش از دو میلیون نفر از آن‌ها فاقد مدارک قانونی بوده‌اند. در واکنش به این وضعیت، سیاست اخراج گسترده اتباع غیرمجاز از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران در دستور کار قرار گرفته است. این تصمیم، اگرچه ممکن است در چارچوب دغدغه‌های امنیتی و اقتصادی توجیه‌پذیر باشد، اما به دلیل اجرای غیرهفتمند، جمعی و فاقد چارچوب‌های حقوقی مشخص، موجب بروز انتقادات گسترده در سطح داخلی و بین‌المللی شده و ممکن است کشور را با چالش‌هایی در حوزه مشروعیت، اعتبار بین‌المللی و ثبات اجتماعی مواجه کند.

مقاله پیش رو با هدف تحلیل پیامدهای انسانی، حقوقی، امنیتی و دیپلماتیک سیاست اخراج اتباع افغانستانی، تلاش می‌کند ضمن بررسی تجارب جهانی، از جمله سیاست‌های موفق کشورهای چون کانادا، آلمان، سوئد، نروژ و پاکستان، چشم‌اندازی واقع‌گرایانه و چندبعدی برای سیاست‌گذاری مهاجرتی ایران ترسیم کند. این مطالعه در عین انتقادی بودن، نگاهی راه‌حل‌محور داشته و با تأکید بر ظرفیت‌های موجود در ایران، مجموعه‌ای

اخراج اتباع غیرمجاز افغانستانی از ایران پیامدها، تجربه‌های جهانی و راهبردهای مدیریت هوشمند

از راهکارهای بومی‌سازی شده را برای عبور از وضعیت بحرانی و حرکت به سمت مدیریت هوشمند و انسانی مهاجرت ارائه می‌دهد. امید است این تحلیل بتواند به گفت‌وگویی مؤثر میان سیاست‌گذاران، نهادهای مدنی و جامعه بین‌المللی کمک کرده و نقش ایران را به‌عنوان کشوری مسئول در مواجهه با پدیده مهاجرت حفظ نماید.

۱. زمینه‌ها و محرک‌های اخراج اتباع غیرمجاز

۱/۱ فشارهای داخلی

افزایش نرخ بیکاری، تورم، کمبود منابع رفاهی و نارضایتی عمومی از وضعیت معیشتی، سبب شده تا بخشی از افکار عمومی، مهاجران به‌ویژه مهاجران افغانستانی را مسئول این وضعیت بدانند. در کنار آن برخی از مسئولین و نمایندگان مردم نیز با طرح این موضوعات به دنبال جذب آراء عمومی برآمدند که خود موضوع را پیچیده‌تر کرده است.

۱/۲ ناکارآمدی نظام اعطای اقامت و ساماندهی اتباع

نظام ناقص شناسایی مهاجران، نبود بانک اطلاعاتی منسجم و ابزارهای ناکافی کنترلی، اجرای سیاست‌های قانونی و حمایت‌محور را با چالش مواجه ساخته است. از سوی دیگر عدم اجرای قانون نیز باعث گردیده که قانون‌گریزی و همچنین تابوی قانون‌شکنی در کشور ریخته شود.

۱/۳ وضع قوانین و مقررات ناکارآمد

فقدان عزم دولت بر اجرای صریح قانون، وضع قوانین موقت و کوتاه مدت (مثل طرح سرمایه‌گذاری برای اتباع افغانستان)، مشکلات اقتصادی دولت، در اولویت نبودن مسئله حل وضعیت مهاجرین افغانستانی، ناپایداری اوضاع سیاسی و اجتماعی از جمله شهادت رئیس جمهور فقید، آقای رئیسی و تغییر در ساختار سیاسی، همگی باعث شدند تا اتباع افغانستان نیز نسبت به جدیت دولت در اجرای دستورالعمل‌های اعلامی تا حد زیادی بی‌تفاوت شده و همین مسئله باعث شد که بسیاری از آن‌ها انتظار این اقدام را از سوی دولت نداشته و مشکلات اجتماعی و دعاوی مختلف در ایران برایشان حل نشده باقی ماند. همین امر موجبات نارضایتی آن‌ها را نیز فراهم نمود.

۱/۴ گفتمان امنیتی

هر چند مسئله اخراج اتباع غیرمجاز پیش‌تر آغاز شده بود اما در پی حوادثی چون تجاوز اخیر رژیم اسراییل به ایران و گزارش‌هایی درباره احتمال مشارکت برخی مهاجران، به‌ویژه مهاجران تازه وارد دارای سابقه نظامی، باعث شد تا فشار نهادهای امنیتی بر ضرورت اخراج فوری مهاجران افزایش یافته و با توجه به گسترش این قبیل تبلیغات این موضوع به یک مطالبه عمومی بدل شود. این مسئله و جریان ایجاد شده تبعات و پیامدهای منفی عدیده‌ای را برای مهاجرین و تغییر دیدگاه‌های مردم ایران نسبت به آن‌ها به دنبال داشت. بر اساس تحلیل امنیت ملی^۱ در طی ۴۰ سال گذشته، حتی یک گزارش رسمی که نشان دهد درصد قابل توجهی از مهاجران افغانستانی درگیری

۱. فرشاد اسماعیلی، «مشاور قانون کار: اخراج مهاجران غیراقتصادی، غیرحقوقی و غیرمنطقی است»، خبرگزاری پورانا (PNA)، ۱۹ تیر ۱۴۰۴، porananews.com/۱۲۶۳۹.

عملیات جاسوسی بوده‌اند منتشر نشده، بالعکس، در بین پرونده‌های امنیتی ثبت شده، سهم اتباع افغانستانی کمتر از ۰.۵٪ بوده است. از سوی دیگر آمار نیروی انتظامی در سال ۱۳۹۹ حاکی از نسبت ۴٪ جرم اتباع افغانستانی نسبت به جمعیت ایرانی است.^۱ در حقیقت به نظر می‌رسد در خصوص نسبت ارتکاب جرم (کیفری یا جاسوسی) اتباع افغانستانی در حقیقت برخی خواسته یا ناخواسته امنیتی‌سازی افراطی را ترویج نمودند، مسئله‌ای که خطر ایجاد گفتمان نفرت و نقض اصول حقوق بشر را در پی داشته و تبعات وخیمی را به دنبال خواهد داشت. این دیدگاه نیز مطرح است که این مسئله شکاف بین دولت را نیز افزایش داده و تمامی خدماتی که در طول بیش از چهل سال ارائه شده است را زیر سؤال برد.

۲. پیامدهای انسانی، اجتماعی و داخلی اخراج گسترده

۲/۱) نقض حقوق بشر

اخراج اجباری، به‌ویژه بدون بررسی پرونده‌های فردی بر اساس معیارهای بین‌المللی، می‌تواند ناقض تعهدات ایران ذیل کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق پناهندگان، پروتکل الحاقی آن و اصول بازگشت داوطلبانه باشد. هرچند دولت در طرحی چند ماهه اقدام به بررسی وضعیت این افراد نمود، اما این موضوع بدون آگاهی‌رسانی دقیق و همچنین بدون مداخله و مشارکت نهادهای بین‌المللی انجام شد و در نتیجه راه را برای انتقاد از نحوه اجرای آن، مقولات پذیرش و یا عدم پذیرش مهاجران فراهم نمود. این مسئله می‌تواند ایران را در آینده در مظان اتهام قرار داده و مشکلاتی را در حوزه بین‌الملل و همچنین مواجهه با نهادهای بین‌المللی مرتبط ایجاد نماید. ایجاد زمینه مشارکت یا عقد تفاهم‌نامه با نهادهای بین‌المللی مرتبط نه تنها می‌توانست راه را بر این قبیل انتقادات مسدود کند، بلکه احتمالاً کمک‌هایی را نیز برای این منظور جذب می‌نمود. در صورت عدم همکاری یا مشارکت و پاسخ به درخواست رسمی دولت نیز، این مسئله می‌توانست به‌عنوان حسن نیت ایران مطرح گردد.

۲/۲) آسیب‌پذیری گروه‌های خاص

زنان سرپرست خانوار، کودکان بدون همراه، سالمندان، بیماران و افراد دارای ناتوانی جسمی در معرض بیشترین آسیب‌ها قرار دارند. این گروه‌ها می‌بایست شناسایی شده و شرایط اقامت یا بازگشت امن برایشان فراهم شود. از سوی دیگر این موضوع می‌بایستی به صراحت اعلام و بر روی آن تبلیغ گردد.

۲/۳) پیامدهای داخلی برای ایران

علاوه بر وجه انسانی و حقوق بشری، اخراج گروهی اتباع افغانستان می‌تواند تبعاتی را نیز برای کشور به دنبال داشته باشد. احتمال بروز کمبود نیروی کار در بخش‌های ساختمانی، کشاورزی و خدماتی، تنش‌های اجتماعی در مناطق مهاجرپذیر و افزایش تخلفات کارفرمایان در بازار کار غیررسمی به‌عنوان برخی از این پیامدهای داخلی قابل ذکر می‌باشند.

۱. مرکز مطالعات راهبردی ناجا، منتشر شده در روزنامه شرق، ۵/۱۳۹۹

۳. تأثیر بر روابط ایران و افغانستان

۳/۱) تنش‌های دیپلماتیک

تصاویر و گزارش‌های منتشرشده از برخوردهای خشن با مهاجران، سبب افزایش اعتراضات اجتماعی در افغانستان و تضعیف روابط دوجانبه شده است. از سوی دیگر ضعف دولت کنونی افغانستان در پذیرش و ارائه خدمات به این گروه‌ها باعث شده است که این دولتمردان انگشت اتهام را به سوی ایران دراز کنند تا خود را مبرای از خطا و اشتباه نشان دهند. این مسئله نه تنها باعث تنش دیپلماتیک می‌شود بلکه در شرایط کنونی که فشار غرب و رژیم اسراییل علیه ایران تشدید شده خود می‌تواند مسائل و مشکلات امنیتی متفاوتی را برای کشور به دنبال داشته باشد.

۳/۲) تخریب تصویر ایران

رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، سیاست‌های اخراج مهاجرین افغانستانی از ایران را زیر ذره‌بین قرار داده‌اند؛ موضوعی که می‌تواند وجهه چندین دهه‌ای ایران را به‌عنوان یک کشور میزبان انسان‌دوست خدشه‌دار کند.

۳/۳) اختلال در تعاملات اقتصادی و فرهنگی

کاهش تعاملات مرزی، کاهش مبادلات تجاری، فرهنگی و تضعیف پیوندهای میان فرهنگی از دیگر تبعات این روند است.

۴. تجربه‌های جهانی: درس‌هایی برای ایران

بررسی سیاست‌ها و اقدامات کشورهای مختلف در مواجهه با مهاجران و پناهنجویان می‌تواند افق‌های تازه‌ای برای سیاست‌گذاری در ایران بگشاید. هرچند شرایط جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی کشورها متفاوت است، اما بسیاری از الگوهای موفق در زمینه ادغام مهاجران، کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش ظرفیت‌های اقتصادی و انسانی قابل انطباق یا بومی‌سازی هستند. در این قسمت، نمونه‌هایی از سیاست‌های موفق در کشورهای مختلف از جمله کانادا، آلمان، سوئد، نروژ و پاکستان مرور می‌شود تا از دل آن‌ها ایده‌هایی الهام‌بخش و واقع‌گرایانه برای سیاست‌گذاری در ایران استخراج شود.

۴/۱) کانادا - جذب هدفمند همراه با حمایت ساختاری

کانادا یکی از پیشتازان جهانی در پذیرش، اسکان و ادغام مهاجران و پناهندگان است. این کشور با استفاده از یک سیستم پذیرش چندلایه شامل برنامه‌های دولتی، حامیان خصوصی و جامعه‌محور، فرآیند پذیرش را با دقت و هدفمندی طراحی کرده است. در کنار آن، خدمات گسترده‌ای از جمله آموزش زبان، مشاوره روانی و اجتماعی، کمک هزینه‌های اولیه و حمایت‌های اسکان در اختیار پناهندگان قرار می‌گیرد. همچنین، فرآیندهای بررسی صلاحیت و پرونده‌ها شفاف، دقیق و انسانی است که به تقویت حس اعتماد و مشارکت در میان مهاجران منجر می‌شود. نتیجه این رویکرد، شکل‌گیری جامعه‌ای چند فرهنگی، منسجم و پویا بوده است که مهاجران در آن احساس تعلق بیشتری دارند.

۴/۲) آلمان - محوریت آموزش و اشتغال

آلمان با پذیرش بیش از یک میلیون پناهنده در سال‌های اخیر، الگویی موفق از سیاست‌های ادغام سریع و مؤثر ارائه کرده است. محور اصلی این سیاست‌ها، آموزش زبان آلمانی، ارائه دوره‌های فنی و حرفه‌ای و ایجاد مشوق‌های مالی برای کارفرمایان به‌منظور جذب مهاجران در بازار کار است. این اقدامات، علاوه بر کاهش نرخ بیکاری در میان مهاجران، مانع از شکل‌گیری محله‌های محروم و حاشیه‌نشینی شده و باعث کاهش تنش‌های فرهنگی در جامعه میزبان گردیده است. آلمان با تمرکز بر اشتغال‌پذیری مهاجران، مهاجرت را نه یک تهدید، بلکه یک فرصت برای بازسازی جمعیت فعال خود تلقی کرده است.

۴/۳) سوئد - توانمندسازی زنان

سوئد به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرو در رویکردهای مبتنی بر عدالت جنسیتی، تمرکز ویژه‌ای بر توانمندسازی زنان مهاجر دارد. این کشور با ارائه دوره‌های آموزشی مهارتی، حمایت روانی و اجتماعی برای زنان آسیب‌دیده از خشونت و برنامه‌هایی برای تسهیل مشارکت مادران در بازار کار، توانسته است ادغام زنان مهاجر در ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه را تسریع کند. ایجاد فضاهای امن برای مشارکت اجتماعی و همچنین توجه ویژه به کودکان در خانواده‌های مهاجر، از دیگر محورهای کلیدی سیاست مهاجرتی سوئد است. این رویکرد سبب شده تا زنان مهاجر نه تنها از چرخه انزوا خارج شوند، بلکه به کنشگران فعال اجتماعی بدل گردند.

۴/۴) نروژ - بررسی سریع و انسانی درخواست‌ها

نروژ سیاستی کارآمد و مبتنی بر کرامت انسانی را در بررسی درخواست‌های پناهندگی اتخاذ کرده است. این کشور تلاش می‌کند تا پرونده‌های مهاجرتی را در کمترین زمان ممکن، به‌صورت عادلانه و شفاف بررسی کند. تمرکز بر ارزیابی فردمحور و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان بدون همراه، زنان تنها و افراد دارای نیازهای خاص، از عناصر اصلی این سیاست است. در کنار آن، نروژ با همکاری سازمان‌های بین‌المللی، فرآیند بازگشت داوطلبانه و حمایت از افراد رده‌شده را نیز مدیریت می‌کند تا از بروز بحران‌های انسانی جلوگیری شود. نتیجه این سیاست، شکل‌گیری یک نظام مهاجرتی قابل اعتماد، منسجم و مقبول در سطح داخلی و بین‌المللی بوده است.

۴/۵) پاکستان - بهره‌برداری هوشمند از چارچوب‌های بین‌المللی

پاکستان با وجود چالش‌های اقتصادی و سیاسی، یکی از کشورهایی است که توانسته است از ظرفیت‌های بین‌المللی به‌شکلی کارآمد بهره‌برداری کند. این کشور با ثبت رسمی بخش بزرگی از مهاجران افغانستانی، استفاده از اردوگاه‌های شناسنامه‌دار و تنظیم برنامه‌های بازگشت داوطلبانه با مشارکت آژانس‌های بین‌المللی، موفق به جذب میلیاردها دلار منابع حمایتی و فنی از سازمان ملل شده است. برخلاف ایران که عمدتاً به نظام‌های داخلی برای مدیریت مهاجرت متکی است، پاکستان با بهره‌گیری از همکاری‌های بین‌المللی، هم فشار داخلی را کاهش داده و هم توانسته ساختاری نسبتاً شفاف و پاسخ‌گو ایجاد کند. این تجربه نشان می‌دهد که تعامل فعال با جامعه جهانی، نه تنها به جذب منابع کمک می‌کند، بلکه وجهه بین‌المللی کشور را نیز بهبود می‌بخشد.

۵. اقدامات کاهنده تهدید بحران حقوق بشری برای ایران

در شرایطی که فشارهای بین‌المللی پیرامون نحوه مواجهه ایران با مهاجران، به‌ویژه اتباع افغانستانی، رو به افزایش است، اتخاذ برخی اقدامات اصلاحی و اعتمادساز می‌تواند مانع از شکل‌گیری یک بحران حقوق بشری شود و چهره ایران را در سطح منطقه‌ای و جهانی ارتقاء بخشد. از این رو در این قسمت، به مجموعه‌ای از اقدامات عملیاتی پرداخته می‌شود که نه تنها می‌توانند منجر به کاهش فشارهای داخلی و خارجی شوند، بلکه در نهایت از منظر انسانی، امنیتی و دیپلماتیک نیز به نفع کشور خواهند بود.

۵/۱) تقویت شفافیت و مستندسازی

مستندسازی خدمات ایران در حوزه آموزش، درمان، معیشت و بازگشت داوطلبانه (به صورت فنی و حرفه‌ای و با مشارکت نهادهای بین‌المللی مرتبط)، می‌تواند چهره بین‌المللی ایران را بهبود بخشد.

۵/۲) پرهیز از گفتمان نفرت

برچسب زدن مهاجران به‌عنوان «تهدید» بدون شواهد، زمینه‌ساز گفتمان نفرت و سوءاستفاده رسانه‌های معاند شده و شکاف بین دو ملت را افزایش می‌دهد.

۵/۳) پاسخ به مطالبات معوق

ایجاد ساز و کارهای شفاف برای حل مشکلاتی نظیر بازپرداخت ودیعه اجاره، اختلافات حقوقی کارگر و کارفرما و دعاوی ثبت احوال، یک ضرورت است. این مسائل به‌ویژه در طرح اخراج گروهی اخیر بسیار نمایان است و موجبات نارضایتی وسیعی را به‌وجود آورده و شکاف بین جامعه ایران با افغانستان را بیشتر نموده است.

۶. راهبردهای سیاست‌گذاری پیشنهادی

برای عبور از وضعیت موجود و حرکت به‌سوی یک سیاست مهاجرتی مؤثر، نیاز به تدوین راهبردهایی است که همزمان به ابعاد امنیتی، اقتصادی، انسانی و اجتماعی توجه داشته باشند. از این رو در این بخش، مجموعه‌ای از راهکارهای پیشنهادی ارائه می‌شود که می‌تواند به‌عنوان چارچوبی جامع برای بازنگری در سیاست‌های مهاجرتی ایران به کار رود. این راهبردها با تمرکز بر ارتقاء نظام ثبت، بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی مهاجران، بازگشت داوطلبانه با حمایت بین‌المللی و مشارکت اجتماعی خود مهاجران، امکان تدوین سیاست‌هایی متوازن‌تر و کارآمدتر را فراهم می‌سازد.

۶/۱) ارتقاء نظام ثبت و شناسایی

ایجاد بانک اطلاعاتی به‌روز با تفکیک مهاجران اقتصادی، پناه‌جو، آسیب‌پذیر و مجرم برای تصمیم‌گیری دقیق و هدفمند در کشور ضروری به نظر می‌رسد. عدم وجود این بانک اطلاعاتی جامع باعث شده نه تنها نرخ جرم و جنایت بالا رود بلکه پیگیری آن را نیز دشوار نموده است.

۶/۲) بهره‌برداری از ظرفیت اقتصادی مهاجران

اعطای مجوز کار موقت، بیمه پایه سلامت و آموزش فنی و حرفه‌ای به مهاجران می‌تواند

هم بهره‌وری را افزایش دهد و هم فشار اقتصادی را کاهش دهد. این اقدامات می‌بایستی با مطالعه دقیق و به صورت دوام‌دار ادامه داشته باشد.

۶/۳) بازگشت داوطلبانه با حمایت سازمان‌های بین‌المللی

برنامه‌ریزی برای بازگشت تدریجی و داوطلبانه با همراهی آژانس پناهندگان، سازمان بین‌المللی مهاجرت و دولت افغانستان، با مشوق‌های اقتصادی و امنیتی می‌توان ضمن ایجاد شرایط بازگشت داوطلبانه رغبت برای بازگشت اتباع افغانستان را نیز بیشتر نماید.

۶/۴) مشارکت اجتماعی و گفت‌وگو با نمایندگان مهاجران

استفاده از ظرفیت ریش‌سفیدان و معتمدین اتباع افغانستان برای مدیریت روانی بازگشت، شفاف‌سازی و پاسخ‌گویی به نگرانی‌ها از جمله راه‌حل‌های است که می‌تواند واکنش منفی علیه طرح‌های بازگشت را کاهش داده و تسلط دولت بر اوضاع و همچنین چگونگی مواجهه به دغدغه‌های اتباع افغانستان را بیشتر کند.

جمع‌بندی

سیاست‌های مهاجرتی هر کشور، باید در عین حفظ منافع ملی، به اصول حقوق بشر، تعهدات بین‌المللی و ملاحظات انسانی نیز پایبند باشد. همان‌گونه که تجربه دولت آمریکا در دوران ترامپ نشان داد، برخوردهای سخت‌گیرانه، شتاب‌زده و فاقد پیوست اجتماعی و حقوقی، نه تنها موجب بحران مشروعیت و آسیب‌های داخلی شد، بلکه جایگاه بین‌المللی آن کشور را نیز با چالش‌های فراوانی مواجه ساخت. ایران، با سابقه‌ای دیرینه در میزبانی مهاجران و برخوردهای انسان‌دوستانه، اکنون در نقطه‌ای حساس قرار گرفته است که اگر نتواند تعادلی بین ملاحظات امنیتی، اقتصادی و حقوقی برقرار کند، ممکن است سرمایه اجتماعی و اعتبار منطقه‌ای خود را تضعیف کرده و درگیر فشارهای مستمر بین‌المللی شود.

تجربه‌های جهانی نشان می‌دهند که راهکارهای مبتنی بر ادغام تدریجی، شناسایی گروه‌های آسیب‌پذیر، همکاری با نهادهای بین‌المللی و پرهیز از گفتمان‌های نفرت‌پراکن، به مراتب مؤثرتر از اخراج‌های گسترده و ناگهانی بوده‌اند. از این منظر، سیاست مهاجرتی ایران نیازمند بازنگری عمیق، ارتقاء ظرفیت‌های نهادی و اتخاذ رویکردی جامع‌نگر است که هم منافع ملی را تأمین کند و هم حقوق و کرامت انسانی را محترم بشمارد.

بر این اساس، توصیه‌های کلیدی زیر برای بهبود وضعیت و حرکت به سمت سیاست‌گذاری هوشمندانه، پیشنهاد می‌شود:

- تصویب یک قانون جامع مهاجرت با رویکردی انسانی، چندبعدی و منعطف نسبت به تحولات منطقه‌ای و جهانی؛
- احیای ساختار مستقل و پاسخ‌گو در سازمان ملی مهاجرت به منظور مدیریت یکپارچه، علمی و شفاف پدیده مهاجرت؛
- ایجاد سازوکار گفت‌وگوی منظم و سازمان‌یافته با نمایندگان مهاجران به‌ویژه ریش‌سفیدان، زنان و جوانان برای درک بهتر نیازها و کاهش تنش‌ها؛
- تسهیل فرآیند بازگشت داوطلبانه و تدریجی با حمایت فنی و مالی سازمان‌های

- بین‌المللی مانند آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد و سازمان بین‌المللی مهاجرت؛
- مستندسازی جامع خدمات و اقدامات ایران در حوزه مهاجرت و انتشار منظم گزارش‌های دیپلماتیک برای مقابله با روایت‌های منفی در رسانه‌های بین‌المللی؛
- توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهاجران از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، بیمه پایه و ارتقاء مشارکت اجتماعی، برای بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت آنان؛
- برگزاری اقدامات فرهنگی و رسانه‌ای هدفمند در داخل افغانستان برای بهبود روابط دوجانبه و آماده‌سازی فضا برای بازگشت مهاجران.

در نهایت، ایران باید مهاجرت را نه تنها یک چالش، بلکه فرصتی برای توسعه پایدار، ارتقاء تعاملات منطقه‌ای و تقویت بنیان‌های انسانی و فرهنگی خود بداند. عبور از وضعیت بحرانی کنونی، نیازمند عزم ملی، اجماع نهادی و بهره‌گیری هوشمندانه از تجارب جهانی و ظرفیت‌های داخلی است.

مروری بر مأموریت گزارشگر ویژه تحریم سازمان ملل

۱. مأموریت گزارشگر تحریم

مأموریت گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه بررسی آثار منفی تدابیر قهری یکجانبه بر حقوق بشر در سال ۲۰۱۴، توسط قطعنامه ۲۷/۷ شورای حقوق بشر سازمان ملل و با پیشنهاد ج.ا.ایران و جنبش عدم تعهد تأسیس شد. این مأموریت با قطعنامه‌ای تصویب گردید که هدف آن بررسی تأثیر تحریم‌های یکجانبه بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم در کشورهای تحت تحریم بود و با محکوم کردن تحریم و تأثیرات منفی فرامرزی آن به‌ویژه بر زنان و کودکان، از کشورهای عضو خواسته بود از تحمیل تحریم خودداری کنند. این قطعنامه همچنین از بخش‌های مختلف شورا به‌ویژه دبیرکل، کمیسر و سایر گزارشگران ویژه خواسته بود که در جهت همکاری با گزارشگر تحریم و مخالفت با تحریم‌های یکجانبه اقداماتی را انجام دهند و از شورا نیز خواسته بود «دوبار در سال» نشست‌هایی را برای بررسی اثرات مخرب تحریم برگزار کند که در قطعنامه‌های بعدی این عبارت به «دو سال یکبار» تغییر داده شد.

کشورهای غربی و آمریکا معمولاً با تمديد این مأموریت مخالفت می‌کنند، چرا که یکی از ابزارهای اعمال فشار سیاسی آن‌ها بر کشورهای رو به توسعه را به‌عنوان ابزاری که به نقض گسترده حقوق بشر منجر می‌شود، زیر سؤال می‌برد. از این رو کشورهای بلوک غرب اغلب در جلساتی که سازمان ملل به گزارش‌دهی این گزارشگر و گفتگو با وی اختصاص می‌دهد حاضر نشده و به نوعی این جلسات را نیز تحریم می‌کنند.

۲. گزارشگر فعلی تحریم

در مارس سال ۲۰۲۰، پس از درگذشت آقای ادریس جزایری، اولین گزارشگر تحریم، پروفیسور آلنا دوهان^۲، حقوقدان بلاروسی، به‌عنوان گزارشگر ویژه این مأموریت منصوب شد. تخصص وی حقوق بین‌الملل و بررسی تأثیر منفی تحریم بر حقوق بشر است و پیش از این نیز در زمینه‌های مرتبط با حقوق بشر و تحریم فعالیت داشته است.

1. A/HRC/RES/27/21

2. Alena Douhan

۳. فعالیت‌های خانم دوهان در این مأموریت

۳/۱) سفر به ایران و گزارش دهی

- خانم دوهان در اردیبهشت ۱۴۰۱ (مه ۲۰۲۲) به ایران سفر کرد و طی این سفر ۱۲ روزه تأثیر مخرب تحریم بر زندگی مردم، به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر، را مورد بررسی قرار داد.

- وی در نشست مطبوعاتی پایان سفر خود، تأکید کرد که تحریم‌های یکجانبه و ثانویه، در کنار سیاست‌های «تبعیت حداکثری» از تحریم شرکت‌ها و مؤسسات مالی بین‌المللی، بحران‌های بشری و اقتصادی را تشدید کرده است.

- گزارش نهایی این سفر^۱ در سپتامبر ۲۰۲۲ به شورای حقوق بشر ارائه شد و در آن مواردی مانند مشکلات دسترسی به دارو، تجهیزات پزشکی و تأثیر تحریم بر تجارت بین‌المللی ایران مورد بحث قرار گرفت.

نکات محوری گزارش گزارشگر تأثیر تحریم‌های یکجانبه از نتایج سفر به ایران

این گزارش، بر اساس بازدید رسمی خانم دوهان از جمهوری اسلامی ایران از ۷ تا ۱۸ می ۲۰۲۲ تهیه شده است. در بخش خلاصه گزارش آمده است که تحریم‌های یکجانبه، تحریم‌های ثانویه و انواع مختلف متابعت بیش از حد تأثیر منفی جدی بر اقتصاد ایران دارند، که منجر به نقض‌های گسترده حقوق بشر و چالش‌های انسانی شده و این چالش‌ها با همه‌گیری کووید-۱۹ تشدید شده‌اند. گزارش نتیجه‌گیری می‌کند که استفاده از تحریم‌های یکجانبه، تحریم‌های ثانویه و متابعت بیش از حد تأثیر منفی کلی بر طیف وسیعی از حقوق بشر - مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - از جمله حق حیات و حق توسعه دارد. گزارشگر توصیه می‌کند که تحریم‌های یکجانبه لغو شوند تا سیاست‌های کاهش ریسک و متابعت بیش از حد جلوگیری شود. وی همچنین، جامعه بین‌المللی را فرامی‌خواند تا به دولت ایران در کاهش تأثیر منفی انسانی تحریم‌های یکجانبه کمک کنند.

مقدمه گزارش

گزارشگر ویژه در ابتدا فهرستی از تمامی مسوولان، افراد و سمن‌هایی که با آن‌ها ملاقات و جلسه داشته ارائه نموده و از همکاری آن‌ها تشکر می‌کند. وی عنوان می‌کند که قبل از بازدید، فراخوانی عمومی برای دریافت ورودی‌ها از ذینفعان مربوطه صادر کرده و از همه کسانی که اطلاعات دست اول ارائه دادند، قدردانی می‌کند. با این حال، وی از کمپین افترا، تهمت و نفرت‌پراکنی توسط برخی سازمان‌های غیردولتی که هیچ ورودی‌ای ارائه نکردند، ابراز تأسف کرده است.

وی سپس تاریخچه‌ای از آغاز تحریم‌ها علیه ایران تا زمان خروج آمریکا از برجام را ارائه داده و بعد از آن به موضوع تبعیت بیش از حد شرکت‌ها و دولت‌ها بدلیل هراس از اقدامات تلافی‌جویانه آمریکا متمرکز می‌شود. نکات مهم گزارش از این به بعد به شرح زیر است:

تحریم‌های ثانویه و متابعت بیش از حد

محیط در حال تغییر اطراف رژیم تحریم‌های یکجانبه علیه ایران از اواسط دهه ۲۰۰۰، فهرست‌گذاری اتباع و شرکت‌های کشورهای ثالث و پیچیدگی و ابهام مقررات، منجر به

افزایش عدم اطمینان در میان موسسات مالی و کسب و کارها شده، که نتیجه آن متابعت بیش از حد و کاهش ریسک است، و حتی در برخی موارد، قطع کامل هرگونه فعالیت مرتبط با ایران. این مسئله با عدم ظرفیت و هزینه‌های بالا برای پیمایش محدودیت‌های مالی و تجاری اعمال شده تشدید شده است، که مانع عمده‌ای حتی برای کسب و کارها و موسسات مالی است که ممکن است در معاملات و تجارت مجاز شرکت کنند.

گزارشگر گزارش‌های متعددی از موسسات مالی و کسب و کارهای خارجی دریافت کرده که به دلیل ترس از عواقب مالی، شهرتی و دیگر موارد، از پردازش پرداخت‌ها و تحویل کالاها و خدمات خودداری می‌کنند. حتی پس از امضای برجام، گزارش‌هایی از موسسات مالی خارجی وجود داشت که تمایلی به بازگرداندن روابط با ایران و سرمایه‌گذاری در کشور نداشتند، آن‌هم بخاطر سابقه جریمه‌های مالی سنگین برای نقض ادعایی تحریم‌های ایالات متحده.

گزارشگر اشاره می‌کند که ایران، همانند سایر کشورهای تحت تحریم، از گسترش صلاحیت ایالات متحده در معاملات بانکی بین‌المللی آسیب دیده است. این مسئله به دلیل دخالت بانک‌های همکار آمریکایی یا الزام به پرداخت با دلار آمریکا رخ داده. چنین وضعیتی نه تنها اختلال‌های جدی و تاخیرهایی در تامین کالاهای اساسی - از جمله غذا، دارو، تجهیزات پزشکی، مواد خام و موارد مشابه - ایجاد کرده، بلکه تعامل ایران در همکاری‌های بین‌المللی را نیز به شدت مختل کرده است. این اختلال شامل پرداخت هزینه‌های عضویت در سازمان‌ها و انجمن‌های بین‌المللی، دسترسی به فرصت‌های تامین مالی، و مشارکت نهادها و افراد ایرانی در برنامه‌های دانشگاهی، علمی، فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی می‌شود.

تاثیر بر وضعیت اقتصادی و انسانی

زمینه کلان اقتصادی

به اعتقاد خانم دوهان، اطلاعات آماری بین‌المللی درباره شاخص‌های کلان اقتصادی از سال ۲۰۱۰ تاکنون، همبستگی آشکاری بین اعمال و تشدید تحریم‌های یکجانبه و عملکرد اقتصادی ایران نشان می‌دهد. این همبستگی به ویژه به دلیل محدودیت‌های تجاری و مالی بر بخش انرژی ایران - که منبع اصلی درآمد کشور است - برجسته است؛ حدود نیمی از بودجه دولت تنها به صادرات نفت و دیگر مایعات وابسته است. بر اساس گزارش بانک جهانی، هرچند اقتصاد ایران نسبتاً متنوع به شمار می‌رود، درآمدهای نفتی نقش حیاتی در امور مالی عمومی و حساب‌های خارجی ایفا می‌کنند. ایران پنجمین تولیدکننده بزرگ نفت خام و سومین تولیدکننده بزرگ گاز طبیعی در جهان است.

بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵، ایران روزانه بین ۷۰۰ هزار تا ۱.۴ میلیون بشکه نفت خام و میعانات صادر می‌کرد. با برداشته شدن تحریم‌ها پس از توافق برجام، صادرات روزانه از می ۲۰۱۶ تا می ۲۰۱۸ به بیش از ۲.۵ میلیون بشکه رسید. اما با اعمال مجدد تحریم‌های ایالات متحده، این میزان در ژوئیه ۲۰۲۰ به کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت. تنها در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، صادرات نفت بر اساس آمار رسمی دولت ۵۷ درصد افت کرد که این امر کمبودهای قابل توجهی در بودجه سالانه به دلیل از

دست رفتن درآمد ایجاد کرد. بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱، زیان سالانه ناشی از کاهش صادرات نفت حدود ۵۶ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. گزارش می‌نویسد دولت برای جبران این کمبود، عرضه پول را به طور چشمگیری افزایش داده است.

به تخمین خام دوهان، درآمد ارزی سالانه پیش از تحریم‌ها - که بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ حدود ۶۶ میلیارد دلار بود - در دوره ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ به ۲۵ میلیارد دلار کاهش یافت و این مسئله بر مخارج دولت در پروژه‌های توسعه و دیگر حوزه‌ها تاثیر گذاشت. وی در ادامه می‌آورد: روندهای مشابهی در تجارت کلی ایران مشاهده می‌شود؛ ارزش صادرات و واردات تقریباً نصف شد و از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ افت کرد، با وخامت بیشتر تا سال ۲۰۲۱. تجارت بین اتحادیه اروپا و ایران نیز از ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ بیش از ۵۰ درصد کاهش یافت. این تحولات تاثیر چشمگیری بر اقتصاد ایران گذاشته است. نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی بین ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ به طور متوسط ۴.۶ درصد بود، اما از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ بدلیل افزایش تحریم‌ها به متوسط منفی ۱.۷ درصد رسید. در سال ۲۰۱۶ با رکورد ۱۳.۶ درصد رشد کرد - پس از برجام و برداشته شدن تحریم‌ها - و در ۲۰۱۷ نیز ۳.۷ درصد افزایش یافت، در حالی که اقتصاد در ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به ترتیب ۶ درصد و ۶.۸ درصد کوچک شد. دوهان سپس به اثرات این تحولات بر تورم می‌پردازد و رشد شدید آن را تحت تاثیر محیط متغیر ناشی از تحریم‌های یکجانبه و اثرات کاهش ارزش ریال به دلیل محدودیت‌های مالی و مسدود شدن دارایی‌های خارجی می‌داند. وی می‌گوید: تورم سالانه بین ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ به طور متوسط حدود ۱۴.۶ درصد بود و از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ به حدود ۲۳.۸ درصد افزایش یافت. در ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷، تورم به ۷.۲ درصد و ۸ درصد کاهش یافت، اما پس از اعمال مجدد تحریم‌های ایالات متحده، دوباره به سطوح نگران‌کننده رسید: ۱۸ درصد در ۲۰۱۸ و ۳۹.۹ درصد در ۲۰۱۹. از زمان اعمال مجدد تحریم‌ها در ۲۰۱۸، قیمت‌های عمومی در کشور ۸۵ درصد افزایش یافته و قیمت غذا دو برابر شده است.

وی عنوان می‌کند که هرچند ایران در شاخص‌های محیط کسب و کار رتبه ۱۲۷ از ۱۹۰ اقتصاد را دارد، ترکیب محدودیت‌های تجاری و مالی از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ و پس از ۲۰۱۸ - همراه با متابعت بیش از حد توسط کسب و کارها و تمایل عمومی آن‌ها به اجتناب از هرگونه فعالیت اقتصادی با کشور - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تحت تاثیر قرار داده است. این سرمایه‌گذاری در ۲۰۲۰ به حدود ۱.۳ میلیارد دلار کاهش یافت که تنها حدود ۰.۱۵ درصد از تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد. داده‌های سازمان سرمایه‌گذاری، کمک اقتصادی و فنی ایران برای دوره پاییز ۲۰۱۷ تا بهار ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که تعداد سرمایه‌گذاری‌های خارجی تاییدشده از ۷۲ به ۲۰ افت کرد و ارزش کل آن‌ها نیز از حدود ۴.۴ میلیارد دلار به ۱۵۴ میلیون دلار رسید.

وی نتیجه‌گیری می‌کند که تحریم‌های تجاری و مالی اعمال‌شده، تاثیر مستقیمی بر بازار کار ایران - به ویژه در بخش‌هایی که مستقیماً به بازارهای بین‌المللی مرتبط هستند - و بر زندگی ایرانیان مقیم خارج که فعالانه در فعالیت‌های تجاری شرکت دارند، گذاشته است. محیط متغیر رژیم‌های تحریم، بی‌ثباتی و ناامنی بازار کار را افزایش داده و خطرات را برای کسانی که در اقتصاد غیررسمی و بدون دسترسی به حمایت‌های اجتماعی مشغول به کار هستند، بیشتر کرده است.

تأثیر بر بهداشت، داروها و تجهیزات پزشکی

در این بخش، گزارشگر اذعان می‌کند که از دهه ۱۹۹۰، ایران بهبود مداومی در تمام شاخص‌های اصلی بهداشتی خود نشان داده است، از جمله افزایش امید به زندگی و کاهش نرخ مرگ و میر نوزادان، کودکان زیر پنج سال و مادران. پیشرفت در آموزش و تحقیقات پزشکی نیز کیفیت خدمات بهداشتی را به طور قابل توجهی ارتقا داده است. وی تأکید می‌کند بهداشت ۸ درصد از تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد، اما ظرفیت فعلی سیستم بهداشت ملی در آمار جهانی نسبتاً پایین است: شبکه‌ای شامل ۱,۰۳۴ بیمارستان و ۵,۶۰۸ کلینیک عمومی و تخصصی، با تنها ۱۰۷ تخت، ۱۰۶ پزشک و ۲۰۱ پرستار و ماما به ازای هر ۱,۰۰۰ نفر. با این حال، خدمات بهداشتی کشور - به ویژه در مناطق روستایی و دورافتاده - توسط تعداد زیادی از ارائه‌دهندگان مراقبت اولیه پشتیبانی می‌شود.

خام دوهان تأکید دارد بسیاری از طرف‌های گفتگو دولتی و غیردولتی نگرانی‌های جدی خود را درباره تأثیر مستقیم تحریم‌های یکجانبه بر دسترسی مردم به خدمات بهداشتی و تلاش‌های دولت برای پاسخگویی و پیشگیری کافی ابراز کرده‌اند. وی می‌نویسد: در حال حاضر، ایران حدود ۹۵ درصد از داروها و واکسن‌های اساسی خود را تولید می‌کند تا تأثیر تحریم‌های یکجانبه را کاهش دهد، با سیستم‌های تولید و تضمین کیفیت مناسبی که گزارش شده است. با این حال، شرکت‌های دارویی ایرانی در تأمین مواد خام و اولیه با کیفیت لازم مشکل دارند و هزینه‌های افزایش یافته بر خرید از خارج تأثیر گذاشته است. منابع معتبر و طرف‌های گفتگو تأیید کرده‌اند که از سال ۲۰۱۱، تأمین پایدار پزشکی به دلیل تحریم‌ها ممکن نبوده است. نگرانی اصلی، چالش‌های جدی در تهیه و تحویل داروهای نجات‌دهنده و تجهیزات پزشکی تولیدشده توسط شرکت‌های خارجی برای درمان بیماری‌های نادر است، از جمله انواع خاصی از سرطان، تالاسمی، هموفیلی، لوسمی، ایکتیوزیس، مولتیپل اسکلروزیس، اپیدرمولیز بولوزا، اوتیسم و برخی انواع دیابت. به نوشته گزارش، هر چند بر اساس اسناد تحریم‌ها، واردات دارو و تجهیزات پزشکی تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد و معافیت‌های انسانی وجود دارد، تحویل آن‌ها به طور جدی توسط تأثیر تحریم‌ها بر امور مالی، تجارت، کشتیرانی و شرکت‌های بیمه، محدودیت‌های پرداخت بین‌المللی و متابعت بیش از حد توسط کسب‌وکارها و تأمین‌کنندگان خارجی تضعیف شده است. این عوامل موانع جدی برای بهره‌مندی همه ایرانیان از حق بالاترین استاندارد قابل دستیابی بهداشت ایجاد کرده‌اند.

گزارشگر سپس عنوان می‌دارد که شهادت‌هایی درباره کمبودهای شدید و قیمت‌های نجومی داروهای نجات‌دهنده و داروهای تسکین‌دهنده درد دریافت کرده است، از جمله گزارش‌هایی از جیره‌بندی دوزهای پزشکی توسط بیماران که به دلیل شرایط اقتصادی دشوار، مجبور به فروش مجدد داروهای خود برای تأمین نیازهای اساسی مانند غذا شده‌اند. وی می‌نویسد از نوامبر ۲۰۱۸، قیمت خدمات بهداشتی ۶۷ درصد افزایش یافته است. در حالی که کشور تنها توانست ۱.۵ میلیون دوز تزریقی برای بیماران تالاسمی وارد کند، در حالی که نیاز به ۱۰ میلیون دوز بود و واردات داروهای خوراکی برای این بیماران ممکن نبود. چنین کمبودهایی نرخ مرگ و میر در میان مبتلایان به این بیماری را چهار برابر کرده است. گزارشگر تأکید دارد که جستجو برای مسیرهای جایگزین تأمین و پرداخت از طریق

واسطه‌ها و فرآیندهای پیچیده پرداخت، عوامل کلیدی در افزایش هزینه‌های دارو و تجهیزات پزشکی هستند. به نوشته گزارش، در ۲۰۲۱، سازمان بیمه سلامت ایران توانست حدود ۱۳۰ دارو برای چندین بیماری را به دلایل یادشده تامین کند. وی همچنین به تاخیرهای قابل توجه و در برخی موارد، انکار کامل حمل و نقل توسط شرکت‌های حمل و نقل خارجی اشاره می‌کند که به دلیل عدم تمایل شرکت‌های بیمه به پوشش محموله‌ها صورت پذیرفته. به نوشته دوهان، دسترسی محدود به کانال‌های رسمی تجارت، پرداخت و تحویل - ناشی از محدودیت‌های مرتبط با تحریم‌ها - دلیل گزارش شده افزایش محصولات پزشکی قلبی و قاقاق داروهای منقضى یا در حال انقضا است، که عواقب ویرانگری برای بهداشت عمومی دارد، به ویژه در میان گروه‌های آسیب‌پذیر. وی اذعان می‌کند: «جانبازان جنگ و غیرنظامیانی که از حملات گاز اعصاب و گاز خردل در جنگ با عراق در دهه ۱۹۸۰ جان به در برده‌اند، یکی از این گروه‌های آسیب‌پذیر هستند که از کمبود داروهای تخصصی و تجهیزات پزشکی رنج می‌برند.»

پیشنهادات گزارشگر

در انتهای گزارش، گزارشگر ویژه همه طرف‌ها را به رعایت اصول منشور سازمان ملل، از جمله برابری حاکمیتی، عدم مداخله و حل مسالمت‌آمیز اختلافات، فرا می‌خواند و تأکید می‌کند که از تحریم‌ها نباید به عنوان ابزار سیاسی یا اقتصادی استفاده شود و همه ذینفعان باید در گفتگوی مبتنی بر حقوق بین‌الملل شرکت کنند تا تأثیر انسانی آن‌ها ارزیابی و کاهش یابد.

گزارشگر از کشورهای تحریم‌کننده می‌خواهد تمام تحریم‌های یکجانبه علیه ایران، اتباع و شرکت‌های ایرانی را که بدون مجوز شورای امنیت اعمال شده و توجیه قانونی ندارند، لغو کنند. به طور خاص، محدودیت‌ها بر تجارت، پرداخت‌های مالی، غذا، دارو، تجهیزات پزشکی، آب، ارتباطات، حمل‌ونقل، قطعات یدکی و بذرها باید برداشته شود. همچنین، پرداخت سهم ایران به سازمان‌های بین‌المللی تسهیل شود و دارایی‌های بانک مرکزی ایران آزاد گردد. وی ایالات متحده را به پایان وضعیت اضطراری ملی، اجرای حکم دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد نقض پیمان مودت ۱۹۵۵ و توقف گسترش صلاحیت فراسرزمینی فرامی‌خواند.

گزارشگر هرگونه فشار یا تهدیدی که منجر به تبعیت بیش از حد و ایجاد فضای ترس شود، محکوم می‌کند و از بانک‌ها و کسب‌وکارها می‌خواهد اصول راهنما در مورد کسب‌وکار و حقوق بشر را رعایت کنند تا حقوق ایرانیان نقض نشود. وی بر دستیابی به اهداف توسعه پایدار از طریق همکاری تأکید دارد و از دولت ایران می‌خواهد با مکانیسم‌های حقوق بشر سازمان ملل، از جمله دعوت از گزارشگران ویژه، تعامل بیشتری داشته باشد.

علاوه بر این، سازمان‌های سازمان ملل و بشردوستانه را به کمک به ایران برای کاهش تأثیر تحریم‌ها بر جمعیت‌های آسیب‌پذیر، از جمله پناهندگان افغان، فرامی‌خواند. گزارشگر پیشنهاد توسعه چارچوبی برای جبران خسارت قربانیان تحریم‌ها و اصول راهنما برای جلوگیری از بیش‌انطباق را می‌دهد. در نهایت، حل اختلافات از طریق مذاکره، دادگاه‌های بین‌المللی مانند دیوان دادگستری بین‌المللی، دادگاه اروپا و کمیته‌های

معاهدات سازمان ملل را توصیه می‌کند.

۳/۲) سایر سفرها و گزارش‌ها

- خانم دوهان علاوه بر ایران، به کشورهای دیگری مانند قطر، ونزوئلا، زیمباوه، سوریه و چین نیز سفر کرده و گزارش‌هایی درباره تأثیر تحریم‌ها بر حقوق بشر در این کشورها ارائه داده است.

- او در گزارش سفرهای خود به تأثیر تحریم‌ها بر نظام درمان، آموزش، اقتصاد و تجارت پرداخته و خواستار لغو تحریم‌های یکجانبه شده است.

- گفتنی است گزارشگر علاوه بر گزارش سفرها، سالانه دو گزارش موضوعی نیز به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل نیز ارائه کرده ابعاد مختلف تأثیرات مضر تحریم را در آن بررسی می‌کند. مثلاً برخی گزارش‌های موضوعی خانم دوهان به شورای حقوق بشر به موضوعاتی نظیر: نظارت و ارزیابی تأثیر تحریم‌های یکجانبه و تبعیت بیش از حد آن‌ها بر حقوق بشر^۱؛ تأثیر تدابیر قهری یکجانبه بر حق سلامت^۲ و تحریم‌های ثانویه، مجازات‌های مدنی و کیفری برای دور زدن تحریم^۳ پرداخته است.

۳/۳) فعالیت‌های بین‌المللی و تعامل با نهادهای جهانی

- خانم دوهان به‌طور منظم با کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی همکاری کرده است.

- او در نشست‌های شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل شرکت کرده و از کشورها می‌خواهد تا از تحریم‌های یکجانبه که حقوق بشر را نقض می‌کنند، خودداری کنند.

- وی همچنین در طول دوران گزارشگری خود با سازمان‌های غیردولتی (NGOها) و دانشگاه‌ها همکاری متعددی داشته تا آگاهی درباره تأثیر مخرب تحریم بر حقوق بشر را افزایش دهد.

جمع‌بندی

ماموریت گزارشگر ویژه تحریم‌های یکجانبه از سال ۲۰۱۴ تلاش کرده تا تأثیر منفی تحریم بر حقوق بشر را مستند کرده، داده‌هایی در تأیید این اثرات مخرب به جامعه جهانی ارائه کند. گزارشگر با سفر به کشورهای مختلف از جمله ایران، گزارش‌های مفصلی درباره تأثیر مضر تحریم یکجانبه بر حقوق بشر ارائه داده و در سطح بین‌المللی برای کاهش این تحریم‌ها تلاش کرده است. گزارش‌های گزارشگر عمدتاً بر تأثیر منفی تحریم بر سلامت، اقتصاد و تجارت متمرکز بوده و خواستار اقدام جامعه جهانی برای کاهش این فشارها است. اما امریکا به‌عنوان یکی از قدرتمندترین اقتصادهای دنیا و کشوری که واحد پول خود را مبنای اغلب تعاملات اقتصادی قرار داده، تنها کشوری است که امکان تحمیل فشار حداکثری اقتصادی بر سایر کشورها را داراست.

از این رو مقابله با تحریم‌های اقتصادی امریکا که با آگاهی کامل از تأثیرات مخرب حقوق

1. A/HRC/57/55

2. A/HRC/54/23

3. A/HRC/51/33

بشری و هدف آزار مردم و تحت فشار و درد قرار دادن آن‌ها صورت می‌گیرد^۱، عزمی جهانی می‌طلبد. همکاری جدی و همه‌جانبه کشورهای تحت تحریم و سمن‌های این کشورها با مأموریت گزارشگر تحریم می‌توانند گامی جدی در جهت مستندسازی تأثیر مخرب تحریم باشد که امریکا همواره به صورتی مزدورانه آن را انکار می‌کند.

۱. ریچارد نفیو، طراح تحریم‌های ایران در کتاب هنر تحریم بارها و بارها تأکید کرده که هدف از تحمیل تحریم یکجانبه ایجاد «درد» و حفظ آستانه درد برای مردم تحت تحریم است، با این هدف که مردم نتوانند به این آزار عادت کنند و نارضاایتی آنها به تغییر حکومت یا تغییر سیاست‌های طبقه حاکم منجر شود.

آپارتاید جنسیتی؛ مفهومی نوین در حقوق بین الملل کیفری

مقدمه

آپارتاید جنسیتی (Gender Apartheid) به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن زنان و دختران، به‌طور سیستماتیک در سطوح اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توسط ساختارهای قانونی و عرفی تحت فشار قرار گرفته، سرکوب شده و یا دسترسی‌شان به منابع محدود می‌شود. این نوع از تبعیض، شدید و نهادین بوده و هدف از آن، تسلط یک جنسیت بر جنس دیگر از طریق مجازات‌ها، تفکیک اجتماعی و محرومیت قانونی است. در سال‌های اخیر، این مفهوم با الهام از آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی، به‌ویژه در توصیف وضعیت زنان در افغانستان تحت حکومت طالبان، توسط حقوقدانان مطرح شده و توجه سازمان‌های حقوق بشری را جلب کرده است.

نکته آن است که برخی حقوقدانان اخیراً از این اصطلاح برای توصیف شرایط زنان در ایران استفاده می‌کنند. این بیان و تکرار می‌تواند به مقامات رسمی سازمان ملل نیز تعمیم یافته و پیامدهای حقوقی، سیاسی و اجتماعی جدی و قابل توجهی برای کشور به همراه داشته باشد. هدف گزارش حاضر، آشنایی مقدماتی با مفهوم آپارتاید جنسیتی و ارزیابی امکان اطلاق آن بر شرایط زنان در ایران است؛ همچنین پیامدهای محتمل این موضوع حساس مورد بررسی قرار گرفته و توصیه‌هایی ارائه می‌گردد.

۱. خاستگاه آپارتاید جنسیتی و جایگاه آن در نظام حقوق بین الملل

ایده اولیه مفهوم «آپارتاید جنسیتی» برای نخستین بار در دهه ۱۹۹۰ و به‌ویژه در زمان حکومت نخست طالبان در افغانستان مطرح شد. این اصطلاح با الهام از مفهوم آپارتاید نژادی (که به نظام تبعیض و سلطه سازمان‌یافته اقلیت سفیدپوست در آفریقای جنوبی اطلاق می‌شد) شکل گرفت و برای توصیف تبعیض و سرکوب سیستماتیک زنان به کار رفت. برای مثال، گزارشگر ویژه سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ وضعیت زنان تحت حاکمیت طالبان را نوعی نظام آپارتاید توصیف کرد و اظهار داشت طالبان «در حقیقت یک سیستم آپارتاید در مورد زنان ایجاد کرده است.» در دهه‌های بعد، مدافعان حقوق

زنان و حقوقدانان بین المللی نیز از این اصطلاح برای بیان شدت سرکوب ساختاری زنان در برخی کشورها استفاده کرده اند. بنابراین از دیدگاه مفهومی، «آپارتاید جنسیتی» به شرایطی اشاره دارد که در آن یک رژیم سیاسی یا قانونگذاری، نیمی از جمعیت (زنان و دختران) را به صورت نظام مند از حقوق بنیادین، مشارکت سیاسی - اجتماعی و شأن انسانی محروم می کند؛ به نحوی که این تبعیض و سلطه، عمدی، نهادینه شده و با هدف حفظ آن نظام سرکوبگر اعمال می شود.

از منظر حقوق بین الملل، اصطلاح «آپارتاید» ابتدا به تبعیض نژادی اطلاق و به طور رسمی در اسناد بین المللی منعکس شد. کنوانسیون بین المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید (۱۹۷۳) و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی (اساسنامه رم ۱۹۹۸) «جنایت آپارتاید» را به عنوان نوعی جنایت علیه بشریت تعریف کرده اند که شامل اعمال غیرانسانی ناشی از «سلطه و ستم سازمان یافته یک گروه نژادی بر گروه یا گروه های نژادی دیگر به قصد حفظ آن رژیم» می شود. این تعریف چارچوب حقوقی محکمی برای مقابله با تبعیض نژادی فراهم کرده است. در مقابل، «آپارتاید جنسیتی» هنوز به عنوان یک مفهوم رسمی و مدون در حقوق بین الملل کیفری شناخته نشده و در هیچ معاهده بین المللی به طور صریح جرم انگاری نشده است. با این حال، کاربرد روزافزون این اصطلاح در ادبیات حقوقی و گفتمان سازمان ملل، به زعم برخی حقوقدانان نشان دهنده وجود خلأیی حقوقی است که نیاز به جرم انگاری سرکوب سیستماتیک مبتنی بر جنسیت به عنوان یک جنایت مستقل را برجسته می کند تا بتوان به طور مؤثر با آن مقابله کرد.

۱/۱ آپارتاید جنسیتی به عنوان جنایت علیه بشریت؟

همانگونه که مورد اشاره قرار گرفت جنایت آپارتاید در حقوق بین الملل کنونی به طور خاص معطوف به تبعیض نژادی است و در ماده (۷)(۱) (ز اساسنامه رم) جنایات علیه بشریت تعریف شده است. از آنجا که «گروه نژادی» جزئی از تعریف کلاسیک آپارتاید است، سرکوب نظام یافته یک گروه بر مبنای جنسیت (زن یا مرد) صراحتاً تحت عنوان «جنایت آپارتاید» موجود در اساسنامه رم قرار نمی گیرد. بر این پایه، پرسشی مطرح می شود که آیا می توان رفتارهایی را که اصطلاحاً آپارتاید جنسیتی خوانده می شوند، ذیل دیگر مفاد ماده ۷ اساسنامه رم به ویژه بند (k) آن ماده که ناظر بر «سایر اعمال غیرانسانی» است مورد تعقیب قرار داد؟

ماده ۷(۱)(k) اساسنامه رم، «سایر اعمال غیرانسانی با ویژگی مشابه» را که به طور عمدی باعث رنج شدید یا آسیب جدی به سلامت جسمی یا روحی افراد می شود، جنایت علیه بشریت قلمداد می کند. برخی حقوقدانان اینگونه استدلال می کنند که می توان بسیاری از اقدامات طالبان یا سیاست های سرکوبگرایانه علیه زنان نظیر محروم سازی گسترده از آموزش، کار، آزادی تردد و سایر حقوق انسانی به ایجاد رنج عمیق روحی و اجتماعی در مقیاس وسیع انجامیده و از این جهت مصداق «اعمال غیرانسانی» عمدی هستند. آنان خاطرنشان می کنند که این اقدامات آشکارا با فهرست اعمال غیرانسانی مورد اشاره در کنوانسیون آپارتاید (۱۹۷۳) شباهت دارند و می توانند ذیل بند (k) ماده ۷ به عنوان جنایتی هم عرض سایر جنایات علیه بشریت تعقیب شوند، البته مشروط بر اینکه دادستان اثبات

کند این اعمال به صورت گسترده یا سازمان‌یافته و در قالب یک سیاست حکومتی علیه جمعیت غیرنظامی (زنان) صورت گرفته است. در مقابل نیز برخی حقوق‌دانان نیز قائل به تفسیر مضیق (سایر اعمال غیرانسانی) بوده و معتقدند آپارتاید جنسیتی را نمی‌توان یکی از مصادیق بند (k) به شمار آورد. آن‌ها معتقدند بند مذکور یکی از عناصر جنایت آپارتاید یعنی سیستم سلطه و سرکوب ساختاریافته را در بر نمی‌گیرد.

۱/۲) رابطه آپارتاید جنسیتی با آزار و اذیت مبتنی بر جنسیت

اساسنامه رم از سال ۱۹۹۸ برای نخستین بار «آزار و اذیت مبتنی بر جنسیت» (Gender Persecution) را نیز به صراحت به‌عنوان جنایت علیه بشریت به رسمیت شناخته است. بنابراین آزار و اذیت مبتنی بر جنسیت نیز یک جرم تعریف‌شده در حقوق بین‌الملل کیفری است. در عمل، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده افغانستان از همین عنوان برای تعقیب رهبران طالبان استفاده کرده و معتقد است سیاست سرکوب زنان توسط طالبان به‌عنوان «جنایت علیه بشریت آزار و اذیت مبتنی بر جنسیت» قابل پیگیری است. با این حال، لازم به ذکر است که بر اساس متن اساسنامه رم، جرم مذکور باید در ارتباط با سایر اعمال غیرانسانی یا جنایات مشمول صلاحیت دیوان ارتکاب یابد. این بدان معناست که محروم‌سازی حقوقی به تنهایی، اگر با جرائم دیگری مانند حبس خودسرانه، شکنجه، تجاوز سازمان‌یافته یا قتل همراه نباشد، ممکن است به لحاظ حقوقی به سختی ذیل عنوان «آزار و اذیت» قابل تعقیب باشد.

بررسی وضعیت ایران

برخی مدافعان حقوق بشر مدعی اند الگوی ریشه‌داری از تبعیض و نابرابری ساختاری علیه زنان وجود دارد که می‌توان از آن به «آپارتاید جنسیتی» تعبیر کرد. به عقیده این افراد قانون اساسی ایران حقوق زنان را مشروط به رعایت «موازین اسلامی» کرده که تعبیر مبهمی است و زمینه را برای قوانین تبعیض‌آمیز فراهم می‌کند. آنان این مسئله که ایران از معدود کشورهایی است که هنوز به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان نپیوسته را بازتابی از وضعیت داخلی حقوق زنان در ایران می‌دانند.

به عقیده ایشان مطابق قوانین جاری ایران، زنان در بسیاری از حقوق اساسی نسبت به مردان در جایگاه فروتری قرار دارند. مواردی که برای این تبعیض ساختاری ادعایی استناد می‌شوند عبارت است از: حق ازدواج و طلاق (که عمدتاً در اختیار مردان است)، حق حضانت فرزندان، حق اشتغال و آزادی سفر (مثلاً زنان متأهل برای خروج از کشور نیاز به اذن همسر دارند)، حق مشارکت سیاسی (عدم امکان کاندیداتوری زنان برای ریاست جمهوری یا عضویت در مجلس خبرگان رهبری) و ممنوعیت تصدی مناصب عالی مانند قضاوت و رهبری، شهادت زنان در محاکم در بسیاری موارد یا پذیرفته نیست یا ارزش آن نصف شهادت مردان تلقی می‌شود، همچنین «دیه» و غرامت‌های قانونی برای زنان به مراتب کمتر از مردان تعیین شده است. به عقیده آنان چنین چارچوب قانونی عملاً نهادینه کردن تبعیض جنسیتی در سیستم قضایی و اجتماعی ایران است.

علاوه بر این، به زعم آنان حجاب اجباری و قوانین مرتبط با آن به نمادی از کنترل دولت بر زنان تبدیل شده است. در سال ۱۴۰۲ همزمان با سالگرد ناآرامی‌های ۱۴۰۱،

مجلس ایران طرحی موسوم به «حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب» را بررسی و تصویب کرد که در مهر ۱۴۰۳ به تصویب شورای نگهبان رسید. مطابق این طرح، نه تنها جریمه‌های سنگین مالی و تا ۱۰ سال حبس را برای زنان بی حجاب مقرر شده، بلکه کسب‌وکارهایی را که به زنان بدون حجاب خدمات بدهند تعطیل و مشارکت آموزشی و شغلی زنان «متخلف» محدود می‌گردد. کارشناسان سازمان ملل در واکنش به این قانون هشدار دادند که چنین قانونی می‌تواند شکل جدیدی از آپارتاید جنسیتی تلقی شود، چرا که حاکمیت با تبعیض سیستماتیک در صدد وادار کردن زنان و دختران به اطاعت کامل است.^۱ یکی از این افراد، جاوید رحمان، گزارشگر وقت بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران است. حتی کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل این قانون حجاب اجباری را «شدیداً ظالمانه و مغایر حقوق بین الملل» خوانده و خواستار کنار گذاشتن آن شده است.^۲ آن‌ها اینگونه نتیجه‌گیری می‌کنند که مجموعه این سیاست‌ها و قوانین نشان می‌دهد که در ایران نیز یک الگوی سازمان‌یافته از سلطه و کنترل بر زنان به چشم می‌خورد. به‌طور نمادین، رتبه‌بندی جهانی شکاف جنسیتی در سال ۲۰۲۴ ایران را در جایگاه ۱۴۳ از ۱۴۶ کشور قرار داده و مشارکت اقتصادی زنان ایرانی تنها ۱۴٪ (در برابر ۶۷٪ برای مردان) برآورده شده که به عقیده آن‌ها خود بازتابی از ساختار تبعیض آمیز حاکم است.^۳ البته آن‌ها خود اذعان دارند که گستره محرومیت‌ها در ایران به اندازه افغانستان نیست؛ برای مثال، زنان ایرانی برخلاف افغانستان از حق آموزش دانشگاهی و اشتغال برخوردارند اما ماهیت نظام حقوقی-سیاسی ایران را تبعیض آمیز و نوعی آپارتاید جنسیتی تلقی می‌کنند.

در عمل تاکنون مقامات سازمان ملل متحد، نظام جمهوری اسلامی ایران را برخلاف حکومت طالبان صراحتاً در گزارش‌های رسمی متهم به اعمال آپارتاید جنسیتی نکرده‌اند. همانطور که مورد اشاره قرار گرفت، تنها برخی کارشناسان سازمان ملل متحد از جمله گزارشگر وقت وضعیت حقوق بشر در ایران جاوید رحمان، تنها اعمال قانون عفاف و حجاب را مصداق آپارتاید جنسیتی تلقی کرده‌اند که قانون مذکور با دستور شورای عالی امنیت ملی همچنان به اجرا درنیا آمده است. همچنین کمیته حقیقت‌یاب و گزارشگران ویژه وضعیت حقوق بشر در ایران با اینکه نظام را محکوم به تبعیض سیستماتیک علیه زنان کرده‌اند، تاکنون صراحتاً این مفهوم را به سیاست‌های حکومت نسبت نداده‌اند اما این وضعیت در آینده می‌تواند تغییر کند و پیامدهای حقوقی و غیرحقوقی جدی متوجه کشور کند.

پیامدهای حقوقی

یکی از نقاط عطف در پاسخگویی به آپارتاید جنسیتی، اقدام اخیر دیوان بین الملل کیفری (ICC) در خصوص افغانستان بوده است. این دیوان در سال ۲۰۲۱ رسماً صلاحیت خود را بر وضعیت افغانستان (از جمله جنایات احتمالی طالبان) اعمال کرد و در اکتبر ۲۰۲۲ تحقیقات خود را از سر گرفت. دادستان دیوان، آقای کریمخان، در ۲۳ ژانویه ۲۰۲۵ اعلام کرد که از قضاات درخواست صدور قرار جلب علیه رهبر طالبان (هبت‌ا... آخندزاده)

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2023/09/irans-proposed-hijab-law-could-amount-gender-apartheid-un-experts>.

2. <https://www.ohchr.org/en/press-briefing-notes/2023/09/iran-concerns-over-chastity-and-hijab-bill>.

3. https://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR_2024.pdf.

و رئیس دادگاه عالی طالبان (عبدالحکیم حقانی) به اتهام جنایت علیه بشریت «آزار و اذیت مبتنی بر جنسیت» کرده است. به گفته دادستان، این دو مقام طالبان مسئولیت کیفری «سرکوب سازمان یافته زنان و دختران در افغانستان» را بر عهده دارند. این نخستین بار است که در چارچوب دیوان بین المللی کیفری تعقیب مقامات یک حکومت به خاطر نقض گسترده حقوق زنان به عنوان جنایت علیه بشریت پیگیری می شود. هر چند عنوان اتهامی مورد استناد همان «آزار و اذیت جنسیتی» موجود در اساسنامه است، اما به وضوح هدف آن پاسخگو کردن طالبان برای اقداماتی معادل آپارتاید جنسیتی است. علاوه بر این، دفتر دادستان دیوان در سال ۲۰۲۲ خط مشی ویژه ای برای تعقیب جرایم آزار و اذیت جنسیتی منتشر کرده است تا سیاست گذاری روشن تری در قبال اینگونه جرایم صورت گیرد. این تحولات نشان می دهد که دیوان بین المللی کیفری به اهمیت موضوع پی برده و در چارچوب اختیارات موجود خود در حال پیشبرد پاسخگویی است.

در کنار عرصه بین المللی، محاکم ملی برخی کشورها با صلاحیت قضایی جهانی نیز می توانند نقش مهمی ایفا کنند. کشورهای اروپایی نظیر آلمان، هلند و فرانسه در قوانین داخلی خود اجازه تعقیب جنایات بین المللی (از جمله جنایات علیه بشریت) را حتی در صورت وقوع در خارج از کشور و علیه اتباع خارجی دارند. برای مثال، آلمان در سال های اخیر بر اساس اصل صلاحیت جهانی، چندین نفر را به اتهام جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در سوریه محاکمه کرده است. در مورد آپارتاید جنسیتی، تاکنون پرونده شناخته شده ای در محاکم داخلی این کشورها مطرح نشده است، اما ظرفیت حقوقی آن موجود است. قوانین این کشورها هماهنگ با اساسنامه رم «آزار و اذیت» و «سایر اعمال غیرانسانی» را به عنوان جنایت علیه بشریت جرم انگاری کرده اند؛ لذا در تئوری، اگر هر یک از عاملان یا آمران آپارتاید جنسیتی (مثلاً از مقامات طالبان یا هر دولت دیگر) در قلمرو این کشورها حضور یابند یا شواهد کافی علیه آنان گردآوری شود، دادستان های ملی می توانند علیه آنان اعلام جرم کنند.

فراتر از تعقیب کیفری افراد، این کشورها در صحنه بین المللی نیز فعال بوده اند. برای نمونه، دولت های آلمان، هلند، کانادا و استرالیا در سال ۲۰۲۳ اعلام کردند که قصد دارند دعوایی را علیه طالبان به دیوان بین المللی دادگستری اقامه کنند. مبنای حقوقی این شکایت، نقض کنوانسیون مربوط به منع تبعیض علیه زنان توسط طالبان است. این ابتکار نشان می دهد کشورهایی در تلاش اند از همه ابزارهای حقوقی - اعم از کیفری و قضایی بین الدولی - برای مقابله با آپارتاید جنسیتی استفاده کنند. نکته آن است که هر چند آن ها طالبان را به عنوان حکومت رسمی افغانستان به رسمیت نشناخته اند، چنین پرونده ای در دیوان می تواند عدم پایبندی افغانستان به تعهدات خود در قبال زنان به موجب حقوق بین الملل را احراز کند و فشار حقوقی - سیاسی بر طالبان را افزایش دهد.

پیامدهای غیر حقوقی

طرح و تثبیت مفهوم آپارتاید جنسیتی صرفاً یک بحث حقوقی نظری نیست، بلکه تبعات و کارکردهای مهم سیاسی و بین المللی نیز به همراه دارد. استفاده از این چارچوب مفهومی برای توصیف اقدامات یک حکومت خاص، می تواند به طرق مختلف بر رفتار

دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی اثر بگذارند. در این بخش به سه اثر غیر حقوقی کلیدی اشاره می‌کنیم:

مشروعیت‌زدایی بین‌المللی: برچسب «آپارتاید» بار معنایی سنگینی دارد و یادآور یکی از منفورترین نظام‌های تبعیض‌آمیز قرن بیستم (آپارتاید آفریقای جنوبی) است. به کار بردن اصطلاح «آپارتاید جنسیتی» برای یک حکومت، مشروعیت اخلاقی و سیاسی آن را در انظار جهانی به شدت تضعیف می‌کند. همان‌طور که رژیم آفریقای جنوبی در دوره آپارتاید به‌عنوان یک دولت منفور و منزوی شناخته شد، امروز نیز توصیف حکومت طالبان یا هر دولت سرکوبگر زنان به‌عنوان «آپارتاید جنسیتی» می‌تواند اجماع جهانی را برای انزوای آن‌ها تقویت نماید. این مفهوم، ماهیت سیستماتیک و عامدانه تبعیض را برجسته می‌کند و به جامعه بین‌المللی این پیام را می‌دهد که موضوع صرفاً یک مسئله فرهنگی یا داخلی نیست، بلکه نقض فاحش اصول بنیادین حقوق بشر و کرامت انسانی است. از این رو، مشروعیت‌زدایی می‌تواند زمینه‌ساز اقدامات قاطع‌تری مانند عدم به رسمیت شناسایی حکومت مذکور یا جلوگیری از اعطای کرسی نمایندگی به آن در مجامع بین‌المللی شود (چنان‌که تاکنون حکومت طالبان از حق تصدی کرسی افغانستان در سازمان ملل محروم مانده است).

تحریم‌های هدفمند و اقدامات تنبیهی: یکی دیگر از پیامدهای عملی کاربرد مفهوم آپارتاید جنسیتی، توجیه و تسهیل تحریم‌های هدفمند علیه عاملان و آمران این سیاست‌ها است. در دوران مبارزه با آپارتاید آفریقای جنوبی، مجموعه‌ای از تحریم‌های بین‌المللی (اعم از تحریم‌های اقتصادی، تسلیحاتی، ورزشی و فرهنگی) علیه آن اعمال شد تا آن حکومت را وادار به تغییر رفتار کند. به‌طور مشابه، اکنون نیز بسیاری از فعالان حقوق بشر استدلال می‌کنند که باید مجموعه اقدامات تنبیهی و محدودکننده‌ای علیه رهبران طالبان و هر حکومت دیگری که آپارتاید جنسیتی اعمال می‌کند اتخاذ شود. این اقدامات می‌تواند شامل ممنوعیت صدور ویزا و مسافرت برای مقامات مرتبط، توقیف دارایی‌ها، تحریم‌های اقتصادی هدفمند، محدودیت در روابط دیپلماتیک، و محرومیت از کمک‌های توسعه‌ای باشد. برخی از این تدابیر تاکنون اعمال شده است؛ برای مثال، ایالات متحده و اتحادیه اروپا چندین مقام طالبان و نیروهای پلیس امنیت اخلاقی ایران را به دلیل نقش ادعایی در سرکوب زنان در فهرست تحریم‌های حقوق بشری قرار داده‌اند. استفاده از اصطلاح آپارتاید جنسیتی در ادبیات رسمی، می‌تواند فشار افکار عمومی و مشروعیت سیاسی لازم را برای گسترش این تحریم‌ها افزایش دهد. دولت‌ها وقتی یک وضعیت را معادل «جنایت علیه بشریت» بدانند، با جدیت و انسجام بیشتری حاضر به اعمال اقدامات تنبیهی می‌شوند.

پیامدهای دیپلماتیک و شکل‌دهی گفتمان جهانی: طرح موضوع آپارتاید جنسیتی دیپلماسی بین‌المللی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. کشورهای غربی که به ادعای خود دغدغه رعایت حقوق بشر را دارند، اکنون در مذاکرات و موضع‌گیری‌های خود، وضعیت زنان در افغانستان و ایران را به‌عنوان یک اولویت و خط قرمز اخلاقی مطرح می‌کنند. این امر می‌تواند بر معادلات دیپلماتیک اثر بگذارد؛ برای مثال، مذاکرات با طالبان (چه در زمینه کمک‌های بشردوستانه و چه در خصوص به رسمیت شناختن سیاسی) قویاً

تحت الشعاع رفتار این گروه با زنان قرار دارد. بسیاری از دولت‌ها صراحتاً اعلام کرده‌اند تا زمانی که طالبان حقوق ابتدایی زنان را به رسمیت نشناسد و آپارتاید جنسیتی را خاتمه ندهد، هیچ شانسی برای کسب مشروعیت بین‌المللی یا به رسمیت شناخته شدن ندارد. در مورد ایران نیز، سرکوب زنان و نقض حقوق آن‌ها از سوی برخی کشورها به مجامع بین‌المللی مثل شورای حقوق بشر و مجمع عمومی کشانده شده و در تصویب قطعنامه‌های محکومیت‌آمیز مؤثر بوده است. به علاوه، مفهوم آپارتاید جنسیتی گفتمان جهانی حقوق زنان را تقویت کرده و آن را به سطح جدیدی از فوریت رسانده است.

جمع‌بندی

به‌طور کلی، با وجود عدم جرم‌انگاری صریح آپارتاید جنسیتی به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی، رویه‌های قضایی بین‌المللی و ملی در برابر مقابله با آن در قالب عناوین دیگر مانند «آزار و اذیت مبتنی بر جنسیت» یا «سایر اعمال غیرانسانی» به‌عنوان نوعی جنایت علیه بشریت در حال شکل‌گیری است. از سوی دیگر، تلاش‌هایی در سطح بین‌المللی برای جرم‌انگاری مستقل آپارتاید جنسیتی در حال انجام است؛ برخی کارشناسان سازمان ملل متحد و دولت‌های غربی قرار گرفتن این جنایت جدید را در پیش‌نویس کنوانسیون منع و مجازات جنایات علیه بشریت توصیه کرده‌اند و از سوی دیگر اصلاح اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی نیز می‌تواند در دستور کار دولت‌های عضو قرار گیرد تا در آینده «آپارتاید جنسیتی» صراحتاً به فهرست جنایات علیه بشریت در دیوان اضافه شود. بنابراین، هرچند آپارتاید جنسیتی تاکنون در قالب حقوقی مشخص و رسمی تعریف نشده است، اما روند رو به رشد شناخت و توجه به این اصطلاح در مجامع بین‌المللی، زمینه‌ساز تحولات حقوقی و سیاسی مهمی خواهد بود که می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای در حوزه حقوق بشر و عدالت جنسیتی داشته باشد.

نسبت دادن این اصطلاح به دولت ایران در مراجع رسمی بین‌المللی مانند گزارش‌های هیئت حقیقت‌یاب و گزارشگر ویژه ایران، می‌تواند پیامدهای حقوقی و غیرحقوقی سنگینی برای کشور به دنبال داشته باشد. این امر در حال حاضر در صورت ابلاغ قانون عفاف و حجاب بسیار محتمل به نظر می‌رسد. بنابراین دولت ایران مقتضی است رویکردی را اتخاذ نماید تا بهانه‌ای در دست برخی دولت‌های متخاصم که به دنبال چنین مسائلی برای اعمال فشار بیشتر بر کشور هستند، قرار ندهد.



ODVV
سازمان دفاع از قربانیان خشونت